

مهر ابد

یا پرستشگاه دین مهر

سرگذشت دین مهر یکی از شگفت‌آورترین پدیده‌های دینی جهان است. مهر یا مسیحا شب یکشنبه ۲۵ دسامبر ۲۷۲ پیش از میلاد زائیده شد و در شصت و چهارسالگی این جهان را بدرود گفت. (۱) دین مهر در سده دوم پیش از میلاد جای خود را در رم باز

(۱) شخصیت مهر یا مسیحا پس از قرن‌ها که به دست فراموشی و گمنامی سپرده شده بود با پژوهش‌های ذ. بهروز یار دیگر آشکار گشت. (نگاه کنید به کتاب تقدیم و تاریخ در ایران، از رصد زردشت تا رصد خیرام، زمان مهر و مانی، شماره ۱۵ ایران کوده، تهران ۱۳۳۱). یادداشت کوتاهی نیز از نویسنده این گفتار زیر عنوان «یادداشتی درباره مهر و زمان او» در مجله دانشکده ادبیات تهران، سال هفتم شماره اول، مهر ۱۳۳۸، نشر یافت و جداگانه نیز با ترجمه انگلیسی چاپ شد. یادداشت زیر را نیز آقای بهروز برای روش کردن تاریخ مهر داده‌اند که نقل میشود.

تاریخ رصد زردشت از ظهر سه‌شنبه اول حمل و اول سال موش و اول ماه قمری ۱۷۲۵ سال پیش از تاریخ میلادی آغاز میشود کتابهای تاریخ شرق و غرب سال ۳۳۶ پیش از میلاد را مبدأ تاریخ سلت اسکندر یا بتخت نشستن او یا پیروزی او بر سرزمین بابل داده‌اند. همچنین سال ۳۲۳ پیش از میلاد را سال مرگ اسکندر داده‌اند و بر حسب روایتهای دیگر این سال مبدأ تاریخ اشکانی است. این سال پایان دوره اول کیسیه در اروپا و در چهار سال قمری - شمسی است.

در کتابهای تفسیر قرآن و تاریخ آمده که مسیحا در سال ۶۵ از ملک اسکندر و سال ۵۱ تاریخ اشکانی زائیده شده است. پس زایش مسیحا در سال ۲۷۲ پیش از میلاد برابر با سال ۱۴۵۴ تاریخ رصد زردشت میشود.

در سال ۲۷۲ پیش از میلاد روز اول حمل دوشنبه است. اگر از سه‌شنبه اول حمل سال رصد زردشت با سال و ماه رومی حساب کنیم این دوشنبه اول حمل روز ۲۱ ماه مارس میشود. از مدارکهای دیگر نتیجه میگیریم که روز آدینه پنجم حمل به مادر مسیحا بشارت میرسد. این آدینه با همان حساب سال و ماه رومی ۲۵ مارس است. مدت حمل را ۲۷۵ روز نوشته‌اند. پس روز زایش مسیحا روز ۲۷۹ سال خورشیدی و شنبه میشود. این شنبه با همان حساب سال و ماه رومی ۲۴ دسامبر برابر با سوم ماه دی میشود.

مسیحا روز دوشنبه چهارم شهریور فرسی در شصت و چهارسالگی درگذشته است. این دوشنبه با همان حساب سال و ماه رومی دهم ژوئن برابر با بیستم خرداد است. سال بالا رفتن

(مانده از صفحه پیش)

کرده بود و در دوره اشکانی دین رسمی شاهنشاهی ایران و تا سده چهارم میلادی دین رسمی امپراتوری رم بود. (۲) دین مهر سراسر جهان باستان را فراگرفته بود و پادمانهای بزرگ و کوچک آن و جاپا و اثر این دین جهانی از جزیره‌های ژاپن تا ایرلند یافت میشود. در سراسر امپراتوری دامنه‌دار رم در دوردست‌ترین جاها به پرستشگاههای دین مهر بر میخوریم. از کرانه‌های فرات گرفته تا لبه صحرای آفریقا، از اندلس تا کریمه در کنار دریای سیاه، در سراسر سرزمینهایی که رودخانه‌های رن و دانوب در آنها روان است، از شمال جزیره انگلیس در کوههای اسکاتلند تا جنوب ایتالیا همه جا پرستشگاههایی را که پیروان دین مهر ساخته بودند می‌یابیم و هر سال پرستشگاههای تازه‌ای از زیر خاک بیرون می‌آید. تنها در شهر رم ویرانه‌های بیش از صد

مسیحارا چهل سال پیش از ویرانی دوم قدس داده‌اند که ۱۶۸ پیش از میلاد است و در همین سال رومیان پیدنا را فتح کردند. پس درگذشت مسیحا در سال مار ۲۰۸ پیش از میلاد است. در زمان اشکانیان از جمله دو تاریخ به‌کار میرفته که ۶۴ سال با یکدیگر فرق دارد. این دو تاریخ با هم روی سکه‌های اشکانی و تاریخگذاری زندگی مانی دینه میشود. اولی تاریخ زایش مسیحا است که از سال پلنگ ۲۷۱ پیش از میلاد یا ۸۷ روز پس از روز زایش و از اوایل سال آغاز میشود. چون سال ۲۷۲ پیش از میلاد سال کیسیه خورشیدی بوده نمیتوانسته مبدأ تاریخ قرار گیرد و سال بعد را که سال پلنگ است مبدأ قرار داده‌اند. دومی تاریخ رحلت است. این تاریخ از ۲۰۷ پیش از میلاد آغاز میشود و ۶۴ سال با تاریخ زایش مسیحا فرق دارد.

مانی در سال مردش ۵۲۷ مسیحایی برابر با ۲۵۶ میلادی زائیده شده و در سال ۵۵۱ مسیحایی برابر با ۲۸۰ میلادی روز یکشنبه اول حمل و اول ماه قمری دعوت کرده است. این یکشنبه روز تاجگذاری شاپور اول ساسانی است.

مانی در سال خوک ۵۲۳ رحلت مسیحایی در شصت‌سالگی درگذشته است. این سال برابر با سال ۵۸۶ زایش مسیحا و ۳۱۵ میلادی است.

از این قرار تاریخ زایش مانی را با تاریخ زایش مسیحا و تاریخ مرگ او را با تاریخ رحلت مسیحا داده‌اند.

(۲) در سده دوم پیش از میلاد گروهی از هنرمندان کارگاهی در کونیگز هوفن نزدیک اشترازیبورگ پروا کرده بودند و سفارشهای پیروان دین مهر را برای ساختن تندیس و نقشهای صحنه‌های مهری انجام میدادند و کارهای هنری آنها نه تنها در مهرابه‌های کونیگز هوفن و ماگوربا به دست آمده بلکه در سراسر آن ناحیه یافت شده است. نگاه کنید به کتاب M. J. Vermaseren, Mithras, the Secret God, چاپ ۱۹۶۳، صفحه ۱۸۱. در سال ۳۸۲ میلادی امپراتور گراتیان فرمان داد که آدریان پیروزی را از سنای رم

بیرون ببرند و دین مهر پستیانی رسمی دولت را از دست داد. نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 169

پرستشگاه مهری درون و بیرون دیوارهای این پایتخت بزرگ دیده میشود. (۳)
سپس با شدت شگفت‌آوری در همه جا به سرکوبی این دین جهانی کمر بستند و یادمانهای آن را ویران ساختند و پیروان آن را آزار و شکنجه دادند و در نابود کردن همه یادگارهای آن کوشیدند. این ویرانگری در ایران بدست ساسانیان که دشمن اشکانیان بودند و در غرب بدست امپراتوران بیزانس و کلیسا انجام گرفت. ولی برانداختن نفوذ ژرف و اثر این دین محال بود و در همه جا دینهایی که جای دین مهر را گرفتند چنان با فکرها و عقیده‌ها و واژه‌های خاص این دین و رسمها و آیینهای آن آغشته شدند که باید گفت گرچه بظاهر دین مهر را برانداختند در واقع دین کسی که ایرانیان او را « پیروزگر » و رومیان او را « خداوند شکست‌ناپذیر » میخواندند درون دینهای دیگر زنده و در معنا شکست‌ناپذیر باز ماند.

در مهر، مهران = میلان

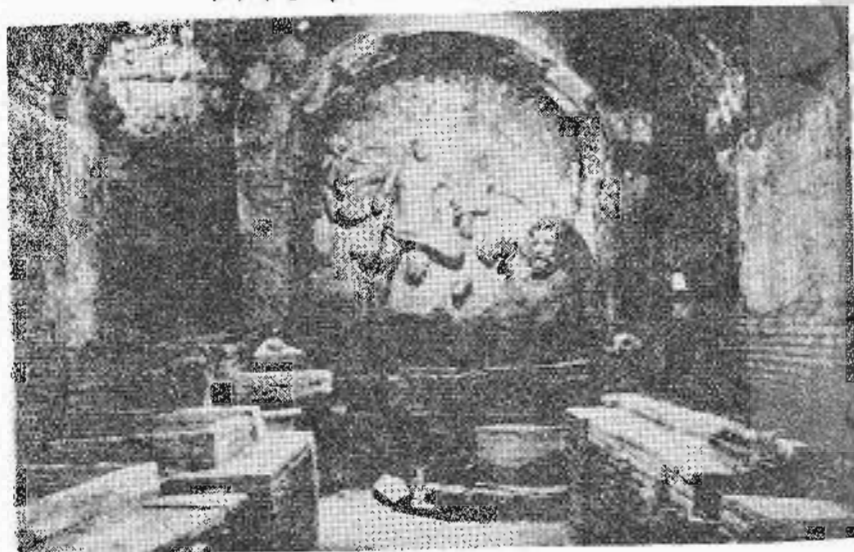
در سرزمینهایی که عیسویت جای دین مهر را گرفت بیشتر روی ویرانه پرستشگاه مهری کلیسا میساختند و حتی همان نقشه مهرابه را در ساختن کلیسا به کار می‌بستند. (۴)
این است که کاوشگران میتوانند ویرانه‌های بسیاری از مهرابه‌ها را از زیر خاک و بویژه از زیر کلیساهای کهن بیرون بیاورند. در ایران یا مهرابه‌ها را بکلی ویران و نابود میکردند یا آنها را به صورت آتشکده در زمان ساسانیان و سپس به صورت مسجد در دوره اسلامی در می‌آوردند. بسیاری از مسجدهای کهنه که گفته میشود در اصل آتشکده بوده در واقع نخست مسجد مهری بوده‌اند. نام « در مهر » یا « بر مهر » (درگاه مهر) که هنوز زردشتیان برای آتشکده به کار می‌برند یادگار زمانی است که آتشکده‌ها مهرابه بودند. (۵)
پرستشگاه مهری را به زبانهای اروپائی Mithraeum می‌گویند که صورت لاتین آن است و به یونانی Mithraion میگفتند و از اینرو میتوان انگاشت که در ایران نیز آن را میثران (مهران، میران، میلان) می‌نامیدند. نویسنده هنوز به این نام برای پرستشگاه مهری برنخورده ولی این نام را در ایران و اروپا برای چند شهر می‌بینیم که شاید به جهت

(۳) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, pp. 33, 36 شرح جزئیات این یادمانها در دو جلد بزرگ در کتاب زیر داده شده است: Vermaseren, Corpus Inscriptionum et Monumentorum Religionis Mithriacae, 1956-1960.
(۴) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 48
(۵) «در» و «بر» دو صورت يك واژه است که صورت باستانی آن دور dvar بوده.

بودن پرستشگاه باشهرتی در آنجا یا به جهت بودن پرستشگاههای بسیار در آن به این نام خوانده‌اند. درباره میلان در ایتالی کومن مینویسد که این شهر « که در دوره امپراتوری به رونق و برومندی رسید به نظر می‌آید تنها جائی بوده است که در آن این دین بیگانه بسیار طرف توجه و از حمایت رسمی برخوردار بوده است. » (۶)

مهرابه = خورابه (خورابه)

آمده است که کشتن گاو بدست مهر و ریختن خورش برای رهایش مردمان که برجسته‌ترین نماد دین مهری است و صحنه آن روی دیوارهای همه مهرابه‌ها دیده میشود در غاری روی داده بوده است. ازینرو این صحنه را یا در غار نقش میکردند یا در جائی که غارنما بود: به این معنا که طاقنمایی میساختند که مانند دهانه غار بود و گاهی سنگهای جوش دور آن طاقنما کار می‌گذاشتند تا بیشتر صورت يك غار طبیعی به خود بگیرد چنان که در مهرابه سانتا پریسکا دیده میشود (نگاه کنید به پیکر ۱). (۷)



پیکر ۱ - مهرابه سانتا پریسکا در رم
(نیز نگاه کنید به پیکر ۶)

نقل از کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum, fig. 250

(۶) نگاه کنید به F. Cumont, The Mysteries of Mithra, p. 72
صورت « میلان » از « مهران » در فارسی همانند دارد: « میلاد » صورت دیگری از « مهرداد » است.
(۷) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 67

نه تنها صحنه کشتن گاو را میبایستی در جایی غارنما نقش کنند بلکه پرستشگاه مهری را در غارهای طبیعی برپا میساختند و صحنه‌های دینی را با شکوه بسیار روی سنگهای کوه نقش میکردند. (۸) در کوهستانهای آلپ ایتالی و جنوب فرانسه و کشورهای بالکان از این مهرا به‌های طبیعی بسیار دیده میشود و کومن مینویسد که در کوههای آلپ بیشتر یادگارهای مهری پیدا میشود تا در جلگه‌های شمال ایتالی. (۹)

در نوشته‌های لاتین واژه‌های spelunca, spelaenum, specus, crypta برای غارهای مهری به کار رفته و سراینده رومی ستاتیوس (نیمه دوم سده اول میلادی) در وصف مهر میگوید که او «شاخهای سرکش را زیر صخره‌های غار پارسی می‌پیچاند» (۱۰) در فارسی واژه دیگر برای غار «شکاف» کوه است، از شکافتن - کافتن - کاویدن، که در لاتین به صورت cavus (انگلیسی و فرانسه cave) و در عربی به صورت «کف» مانده است. یاران غار (اصحاب الکهف) مهریان هستند (۱۱) و «غار گاو» که در تفسیر سوره توبه یاد شده غار مهری است که صحنه کشتن گاو بر دیوار آن نقش شده بوده است.

در شهرها که غار طبیعی یافت نمیشد پیروان مهر پرستشگاههای خود را با زدن طاق و درست کردن طاقنماها به صورت غار ساختگی در می‌آوردند و هرجا می‌شد این «طاقی» ها یا «تکیه» هارا زیر زمین میساختند که بیشتر مانند غار و تاریک باشد (نگاه کنید به پیکرهای ۲-۶). «تکیه» هنوز برای انجمن درویشان و برگزارای آئین‌های دینی به کار میرود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

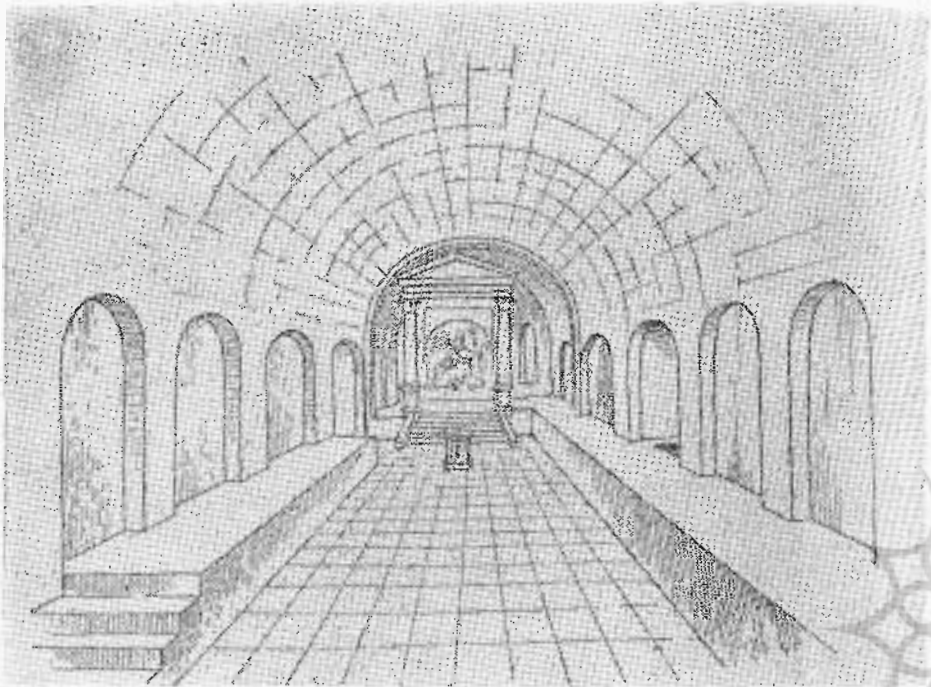
(۸) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, pp. 180-1

(۹) نگاه کنید به Cumont, The Mysteries of Mithra, p. 72

(۱۰) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 29

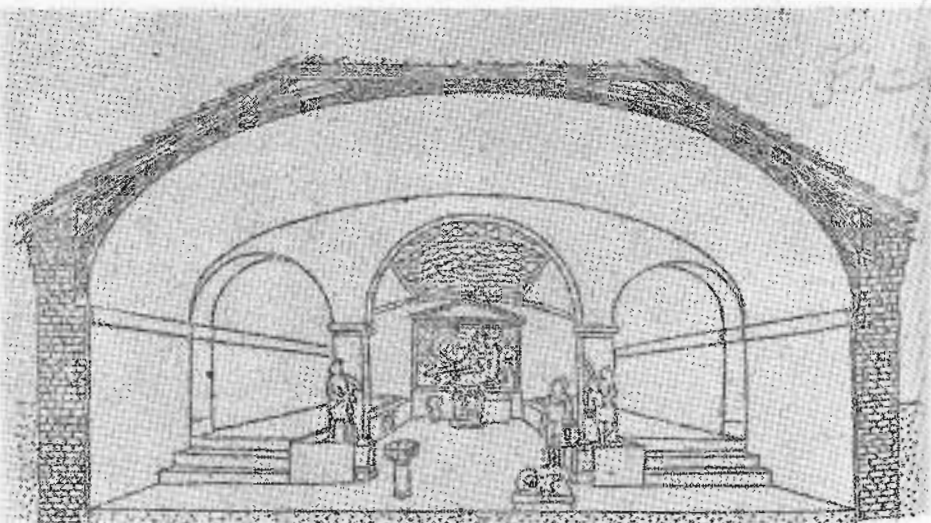
(۱۱) درباره اصحاب الکهف نیز نگاه کنید به یادداشت تکرارنده در مجله دانشکده

ادبیات تهران، نامبرده در پانویس ۱.



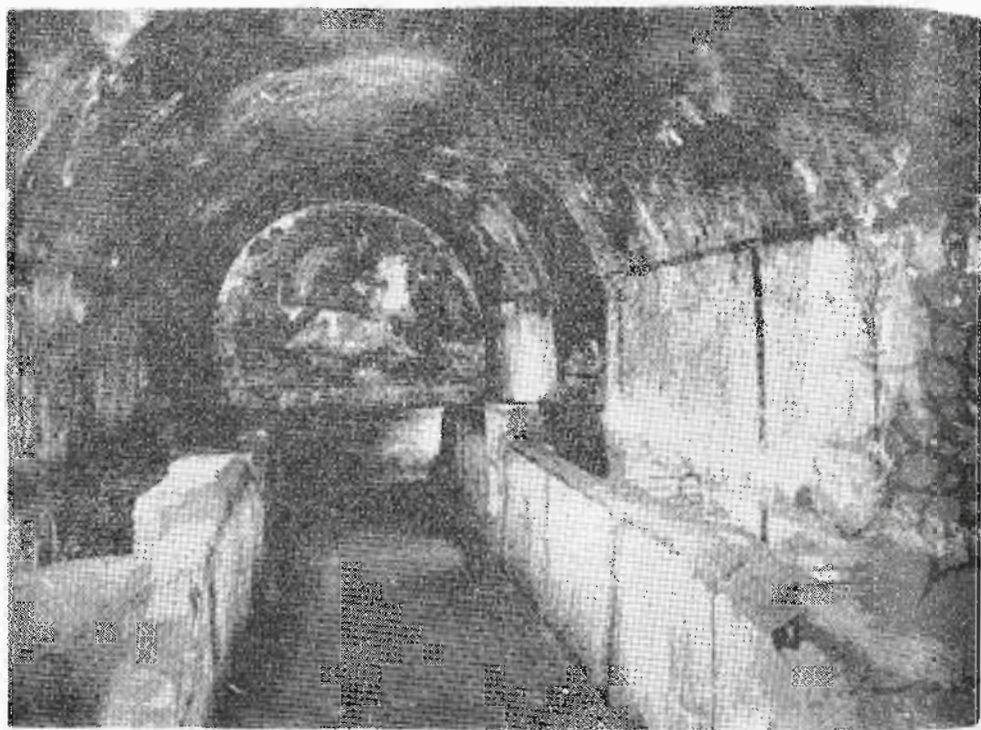
پیکر ۲ - درون مهرا به صوفیه

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 4



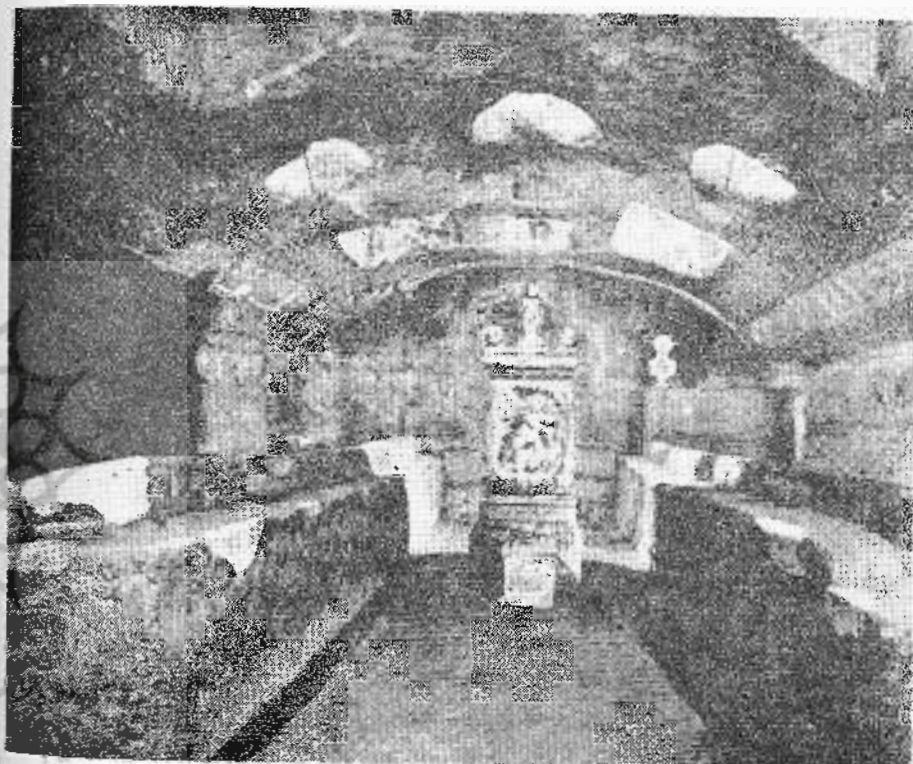
پیکر ۳ - بازسازی مهرا به دویچ التنبورگ (کارنوتوم) در انریش

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 8



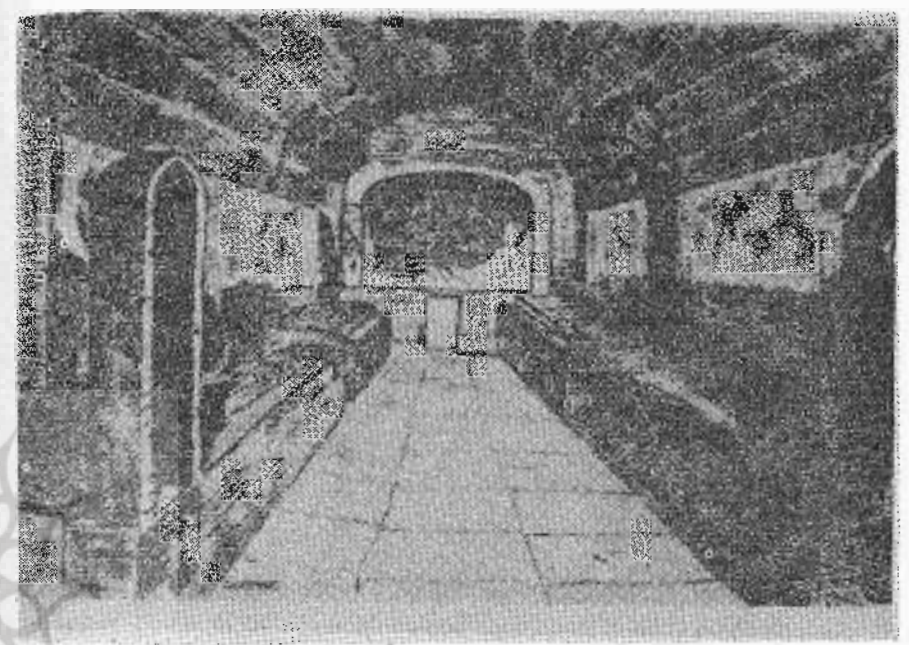
پیکر ۵ - مهرا به کاپوا در ایتالی

نقل از کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum, fig. 50



پیکر ۴ - مهرا به زیر کلیسای سان کلمنته در رم

نقل از کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum, fig. 95



پیکر - مهرابه سانتا پریسکا در رم

نقل از کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum, fig. 130

روبرو ، بالای پرستشگاه ، زیر نیم گنبد طاقما نقش یا تندیس مهر گذاشته میشد. گنبد را به فارسی آبه یا آوه نیز میگویند. (وگورابه گنبدی را گویند که بر سر قبرها سازند.) این واژه در سردابه و گرمابه (گرمابه) نیز دیده میشود و به صورت «آب» در سرداب آمده است. «مهرابه» (که در دوره اسلامی به صورت «محراب» درآمده) گنبد مهر است که پیشگاه پیروان مهر در پرستشگاه آنهاست. پرستشگاه مهری که زیر گنبد بوده (و بعدها در ساختن مسجد از آن پیروی شده است) «مهرابه» است. برای بازساختن ساختمان پرستشگاه از طاقمای محراب ، مهرابه را برای تمام پرستشگاه و مهرابه را برای طاقمای تندیس مهر به کار میبریم.

آبه یا آوه نزد پیروان مهر به معنای «دیر» به کار میرفته و با همین معنا همراه این دین به اروپا رفته و در abbey انگلیسی بازمانده است. دهکده آوه نزدیک شهر ساوه

(سه آوه یا سه دیر) بستگی خود را با دین مهر با يك رنگ عیسوی نگاه داشته بود و در سفرنامه مارکوپولو یاد شده که در ساوه سه یادمان روی قبرهای سه پادشاه یا سه مجوس یا سه فرزانه ، که هنگام زایش عیسی برای دیدار کودک نوزاد نزد او رفتند و داستان آنها در انجیل آمده ، برپا شده بود و آوه را زایشگاه یکی از آن سه پادشاه میخواند. (۱۲) سه آوه و سه دیر شاید با سه گانی مهری که در عیسویت نیز باز مانده بستگی داشته باشد ؛ دورا - اوروپوس که مهرابه بزرگی در آنجا از زیر خاک بیرون آورده اند نیز سه دیر نام دارد .

صورت کهنه تر پهلوی این واژه آوج است، و بر فراز گردنه آوج بایستی دیری بوده باشد همانند دیری که بر فراز کوه در غرب کرمانشاه به نام «دیرغار» در سفرنامه ابودلف یاد شده است . (۱۳)

يك معنای مهر خورشید است. ایزد باستانی مهر نیز گاهی با خورشید یکی دانسته شده و گاهی بستگی نزدیک به آن دارد. شخص مهر نیز همبستگی راز آمیزی با خور دارد و در امپراتوری رم مهر (Mithras) و خور (Sol) به جای یکدیگر به کار میرفت. در سده اول میلادی امپراتور نرون که از پرروشنیان استوار دین مهر بود (و حتی او را جلوه تازهای از مهر میدانستند) (۱۴) در تندیس بسیار بزرگی که در باغ کاخش گذاشته بود خود را همچو «خور-شاه» نقش نموده بود و همچنین در جشنی که او در رم برای تیرداد اشکانی شاه ارمنستان گرفت دیبای ارغوانی روی نمایشگاه پمپئی کشیدند که بر آن نرون نقش شده بود که در گردونه خورشید نشسته و ستارگان زیرین او را فرا گرفته بودند. (۱۵) یکی از پرستشگاههایی که نرون برای مهر ساخته بود به نام «کاخ خور» خوانده میشد. (۱۶)

(۱۲) درباره روایتهای گوناگون داستان سه پادشاه یا سه مجوس نگاه کنید به گفتار L. Olschki, "The Wise Men of the East in Oriental Traditions," Semitic and Oriental Studies Presented to William Popper, California 1951, pp. 375-95.

(۱۳) سفرنامه ابودلف در ایران ، ترجمه ابوالفضل طباطبائی ، تهران ۱۳۴۲ ، صفحه ۵۹. برای این یادداشت از دوست و همکار گرامی آقای دکتر احمد مستوفی سپاسگزارم.

(۱۴) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 35

(۱۵) نگاه کنید به همان کتاب ، صفحه های ۲۳-۲۴.

(۱۶) همان کتاب ، صفحه ۱۷۰ .

در نیمه دوم سده سوم میلادی اورلیان دین رسمی را به نام خور شکست‌ناپذیر Sol invictus میخواند و پرستشگاه خور بر پا ساخته بود. (۱۷)

در ایران برابر کاخ خور و پرستشگاه خور «خورابه» میشود و این واژه را در فارسی به صورت «خرابه»، در جمع «خرابات» مغان، یا به صورت «خراب» (تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده) می‌بینیم که نیز به نام دیر مغان یا سرای مغان خوانده میشود.

بررسی دربارهٔ واژه‌های مغ و مجوس در این گفتار نمی‌گنجد؛ فقط باید اشاره شود که پیشوایان دینی مهری نیز به این نام خوانده میشدند. برای نمونه، در نوشته‌ای که در کاپادوکیه در آسیای کهن یافت شده، و آن را از سده سوم پیش از میلاد میداند، آمده است که ساگاریوس نامی، سرکردهٔ آریارامنه «مغ (مگوس) مهر شد». (۱۸) در نوشتهٔ دیگری در مهرابهٔ دورا - اوروپوس از ماکسیموس نامی به عنوان مگوس یاد شده است. (۱۹) در نوشته‌های عربی نیز مجوس بیشتر به معنای مهری به کار رفته است. نوشته‌اند که در جزیره‌های خالدات خانواده‌ای از فرزنانگان و خاندان ستاره‌شناسان بودند و مجوسهای نصاری از این جزیره‌ها آمده‌اند. (۲۰) ابوالفدا در تقویم البلدان (سده هشتم هجری) دربارهٔ جزیرهٔ ایرلند مینویسد: کان اهلها مجوساً ثم تنصروا اتباعاً لجزیرانهم: «اهل آن مجوس بودند آنگاه نصاری شدند به پیروی از همسایگانشان». (۲۱)

واژه دیگری در فارسی برابر با خرابه که معنای حقیقی آن را چنان که در بالا گفتیم روشنتر و استوار میسازد «خرخانه» است. در مثنوی آمده است: «خربطی ناگاه از خرخانه‌ای». خرابط صورتی از «خرید» است به معنای بزرگ و سرور خرخانه یا خرابه؛ و برگرداندهٔ آن به عربی در واژهٔ «شماش» دیده میشود که در کلیسای عیسوی در شرق

(۱۷) همان کتاب، صفحه ۱۸۷ و نیز Cumont, The Mysteries of Mithra, p. 199. به جای «خور شکست‌ناپذیر» «مهر شکست‌ناپذیر» نیز به کار رفته، چنان که در نوشته‌ای روی آدریان مرمر مهرابه مریدا و در نوشته‌ای در مهرابه گره‌های کاراکالا دیده میشود. نگاه کنید به کتاب Vermaseren, Mithras, pp. 49, 56

(۱۸) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 22

(۱۹) همان کتاب، صفحه ۲۱۳.

(۲۰) نگاه کنید به ذ. بهروز، تقویم و تاریخ در ایران، صفحه ۴۳.

(۲۱) چاپ پاریس، ۱۸۴۰، صفحه ۱۸۸، برای این یادداشت از دوست و همکار گرامی

آقای دکتر حسن مینوچهر سپاسگزارم.

هنوز به کار میرود.

خاقانی که با آئین مهری آشنایی بسیار داشته خرابه و کهف را با هم آورده: منان را خرابات کهف صفا دان در آن کهف بهر صفا می‌گریزم

درون مهرابه

غار مهری را باطاق کنبدی یا کنبدمانند آن نمادی از طاق گردون میدانستند و سقف آن را با ستارگان زیور میدادند و گاهی پیکر بخ ماه را نیز در گردونه‌اش که با گاو کشیده میشود می‌بینیم. (۲۲) روی دیوارهای مهرابه نیز گاهی ستارگان و هلال ماه نقش شده است. (۲۳)

برای آن که مهرابه بیشتر حالت غار داشته باشد آن را تاریک نگاه میداشتند و پنجره برای گرفتن روشنی در آن کمتر دیده می‌شود. تر تولیان، یکی از پدران کلیسا، به طنز میگوید که چگونه میتوان خداوند روشنی را در جایی که برستی جایگاه تاریکی است پرستش نمود. (۲۴)

با آن که مهرابه‌ها را با صحنه‌های پرشکوه و رنگین زیور میدادند و گاهی تندیس‌ها را به زر آراسته میکردند رویهمرفته مهرابه‌ها ساده و سنگین جلوه میکرد. در تاریکی که مهرابه را فرامیگرفت مهراب یا طاقتنمایی را که تندیس مهر یا صحنه کشتن گاو در آن کار گذاشته شده بود با پرتو شمع یا چراغ روغنی روشن نگاه میداشتند. (۲۵) مهراب از مرمر ساخته شده یا گچبری بود یا روی دیوار با رنگ نقش شده بود و پردهٔ نقشدار و زیبایی جلوی آن می‌آویختند. (۲۶)

جلوی مهراب دو آدریان برای روشن نگاهداشتن آتش بر پا بود و راهرو درازی در میان از در آنگاه مهرابه تا مهراب بود که دو کنار آن سکوی درازی داشت و اول سکو گاهی پله ساخته بودند که به سکو بالا روند. در پارهای از مهرابه‌ها راهروی میانی و سکوهایی دو کنار آن با مرمر یا موزائیک پوشیده شده بود. روی سکوها تشک داشته که هنگام برگزاری آئین روی آن می‌نشستند و لبهٔ سکوها جایی داشت که روی آن نوشابه و

(۲۲) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, pp. 37-8

(۲۳) همان کتاب، صفحه ۱۳۶.

(۲۴) همان کتاب، صفحه ۳۸.

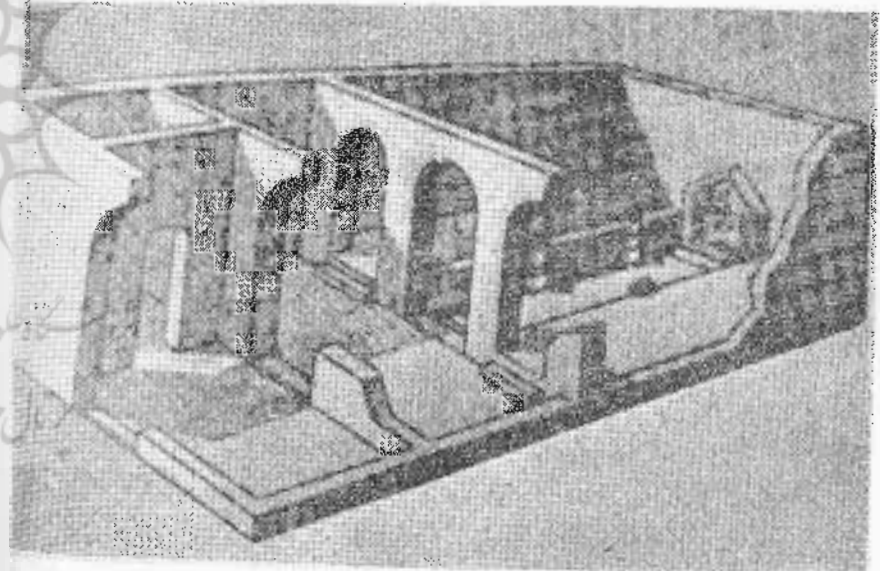
(۲۵) همان کتاب، صفحه ۶۷.

(۲۶) همان کتاب، صفحه‌های ۳۰ و ۱۸۴

نوشخواره گذاشته میشد. (۲۷) روی دیوار پشت سکوها صحنه‌هایی از زندگانی مهر یا آئین‌های دینی نقش شده بود و گاهی طاقنما یا پایه‌ستون برای تندیسها در گوشه سکوها به آرایش مهرابه می‌افزود (نگاه کنید به پیکرهای ۱-۶). (۲۸)

پیش از رسیدن به درون مهرابه، پرستنده به يك اطاق بزرگ پیشخان یا رخت‌کن‌مانندی درمی‌آمد (۲۹) که گاهی از سطح مهرابه بلندتر بود و با پلکان از آن پایین می‌رفتند تا به درون مهرابه برسند، چنان‌که در مهرابه بزرگ دویج‌النبورگ دیده میشود. این مهرابه زیبا را (پیکر ۳) امپراتور دیوکلسین در نیمه‌زاره مهر نوسازی کرد و در آن آدریان باشکوهی به سپاسگزاری از «خور بخ شکست‌ناپذیر مهر، نیکی‌گر امپراتوری» برپا ساخت. (۳۰)

گاهی برای رسیدن به درون مهرابه باید از دو یا سه اطاق گذشت که شاید برای برگزاری آئین‌های ویژه‌ای به کار می‌رفته‌اند. برای نمونه نگاه کنید به پیکر ۷.



پیکر ۷ - نقشه مهرابه اکوئینکوم در مجارستان

نقل از کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum, fig. 458

(۲۷) همان کتاب، صفحه‌های ۳۹ - ۴۰.

(۲۸) همان کتاب، صفحه‌های ۴۰ و ۴۵.

(۲۹) همان کتاب، صفحه ۳۸.

(۳۰) همان کتاب، صفحه‌های ۵۸-۵۹.

برای برگزار کردن پاره‌ای آئین‌ها اطاق‌ها یا نمازخانه‌های دیگری به ساختمان مهرابه افزوده میشد. مهرابه سانتا پریسکا که یکی از مهمترین مهرابه‌های رم بود بجز اطاقهای اصلی مرکزی سه نمازخانه در کنار داشت. این نمازخانه‌ها نیز دارای سکو هستند و در نمازخانه میانی مهرابی بوده است. بعدها در ساختن کاتدرال‌های عیسوی از نقشه کلی این مهرابه پیروی شده است. (۳۱)

در مهرابه سان کلنتمه در رم کنار سرسرای در آنگاه مهرابه تالار کوچکی با هفت طاقنما بوده و در سه طرف این تالار سکوی آجری بوده و کاوشگر این مهرابه گمان میکند این تالار برای آموزش مهری‌ها و نوجوه‌ها (مغفچه‌ها) به کار می‌رفته، (۳۲) و اگر چنین باشد این رسم نیز در کلیسای عیسوی و مسجد اسلامی باز مانده است.

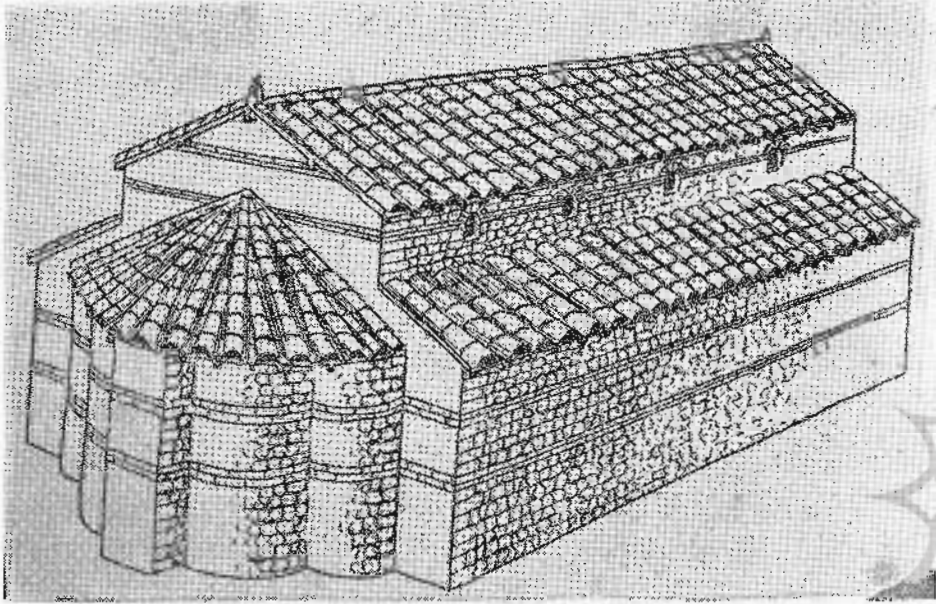
وصف مهرابه بزرگ و پرکار دورا-اوروپوس، که گزارش نهایی آن هنوز نشر نیافته، از گنجایش این گفتار کوتاه بیرون است. برای چشم‌انداز نقشه کلی آن نگاه کنید به پیکر ۸؛ شرح آن در کتاب Vermaseren, Corpus Inscriptionum et Monumentorum... از صفحه ۵۷ جلد اول داده شده است.

در ساختمان کلیساها نه تنها از نقشه درونی مهرابه بلکه از نمای بیرون آن نیز پیروی شده است. جاهایی که ساختن مهرابه زیر زمین بعلمت نزدیک بودن به آب خطر داشت، مانند بندرگاه‌ها، مهرابه را بالا می‌ساختند که بیم افتادن آب در آن نباشد. نمونه‌ای از آنها مهرابه والبروک در شهر گنهه لندن است (پیکر ۹) که پیروی از نمای بیرون آن را در کلیساها می‌بینیم. (۳۳)

(۳۱) همان کتاب، صفحه ۴۱

(۳۲) همان کتاب، صفحه ۱۳۰

(۳۳) همان کتاب، صفحه ۵۳



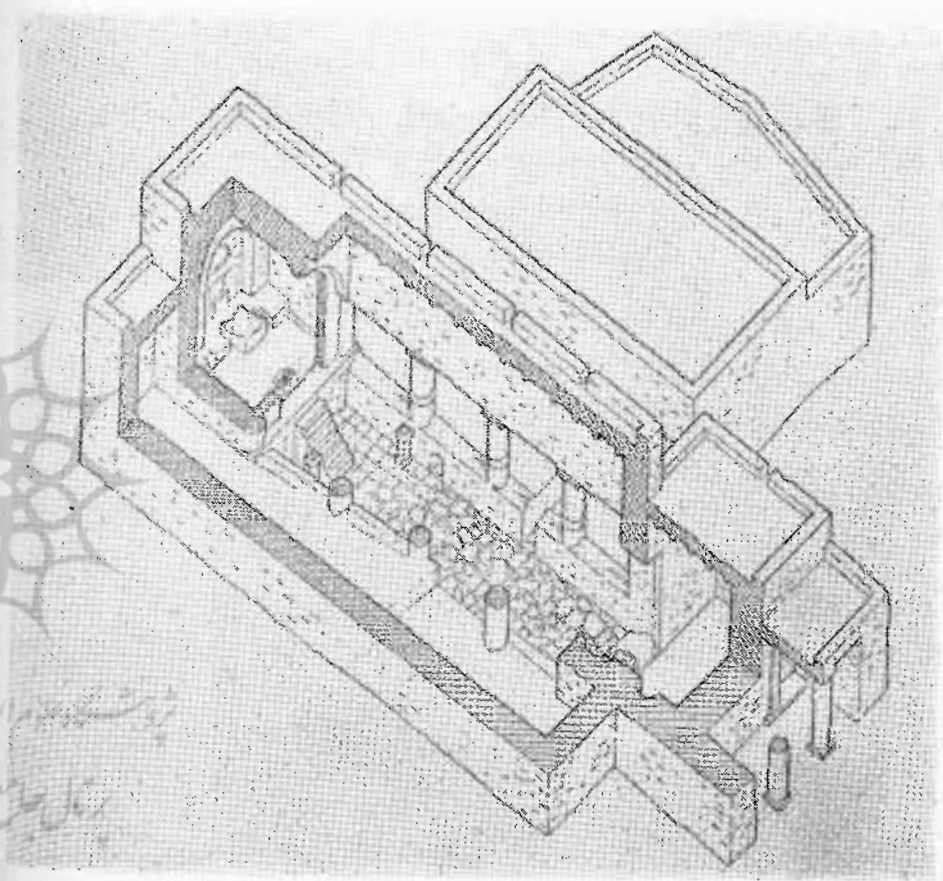
پیکر ۹ - بازسازی نمای بیرونی مهراپه والبروک در لندن
 نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 7

مهراپه

یکی از آئینهای برجسته دین مهر شستشو (غسل) برای پاک کردن لکه‌های گناه و ناپاکی بود. (۳۴) دلبستگی رومیهای باستان به شستشو و گرمابه از اینجا سرچشمه

Cumont, The Mysteries of Mithra, pp. 6, 141, 173, 190.

پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات فرهنگی
 نشر طبع علوم باستان‌شناسی



پیکر ۸ - نقشه مهراپه دورا-اوروپوس
 نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 5

میگرفت. پیش از نزدیک شدن به آدریان پرسئنده بایستی با شستشو خود را از هر آهوئی پاک و پاکیزه بسازد. حتی برای دسته‌های بزرگ سپاهیان رومی که پیروان دین مهر بودند و میخواستند برای پرستش به مهرابه‌ها بروند وسیله شستشو فراهم کرده بودند. گرما به‌های پرشهرت کاراکالا در رم از این گونه اند. کاراکالا از پیروان استوار دین مهر بود و قسمتهائی از این گرما به‌ها برای مهرابه ساخته و آماده شده بود. (۳۵)

در برگزاری آئین پادیاوی بیشتر وقتها این شستشو نمادین بود و مانند غسل تعمید عیسویان، که خود از رسم مهری گرفته شده بود؛ در پیشخان مهرابه یا در پیشگاه آدریان و مهراب انجام میگرفت. (۳۶) در نمازخانه میانی در مهرابه سانتا پرینسا، که بالا از آن یاد شد، در پیش مهراب سکویی بوده که روی آن سنگابی کار گذاشته شده بود که جلوی آن پرستنده میتوانست زانو بزند، و چون خم میشد سرش درست بالای سنگاب جای میگرفت که بتواند تعمید بگیرد. (۳۷) در مهرابه دویچ التنبورگ نیز (نگاه کنید به پیکر ۳) زیر تندیس مهر سنگابه‌ای کار گذاشته شده بود. (۳۸)

نه تنها تعمید و دستنماز و غسل بلکه سنگاب دم در کلیسا و سنگاب دم در مسجد (مانند سنگاب بزرگ و زیبائی که جلوی در مسجد شاه تهران است) یادگارهای مهری هستند. واژه ایرانی مهراس (آس = سنگ) که در عربی ضبط است به معنای سنگی است که میان آن را تپیی کرده در آن آب ریزند و با آن وضو سازند. رسم پادیاوی در خرابه‌های مغان همیشه نگاه داشته میشد و خواجه فرماید « شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام».

چشمه آب، مروارید، نیلوفر

مهراس مهرابه دویچ التنبورگ مانند صدفی تراشیده شده و تندیس بالای آن مهر را هنگام زایش او نمایش میدهد که از چیزی مانند میوه کاج بیرون میآید. (۳۹) در بیشتر صحنه‌های زایش مهر آب نیز نموده شده است. چشمه آب یا برمی که با زایش مهر بستگی دارد چشمه زندگی، خشک نشدنی و همیشه روان (fons perennis) است. (۴۰)

(۳۵) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, pp. 35, 49

(۳۶) نگاه کنید به کتاب نامبرده کومین، صفحه ۱۵۷.

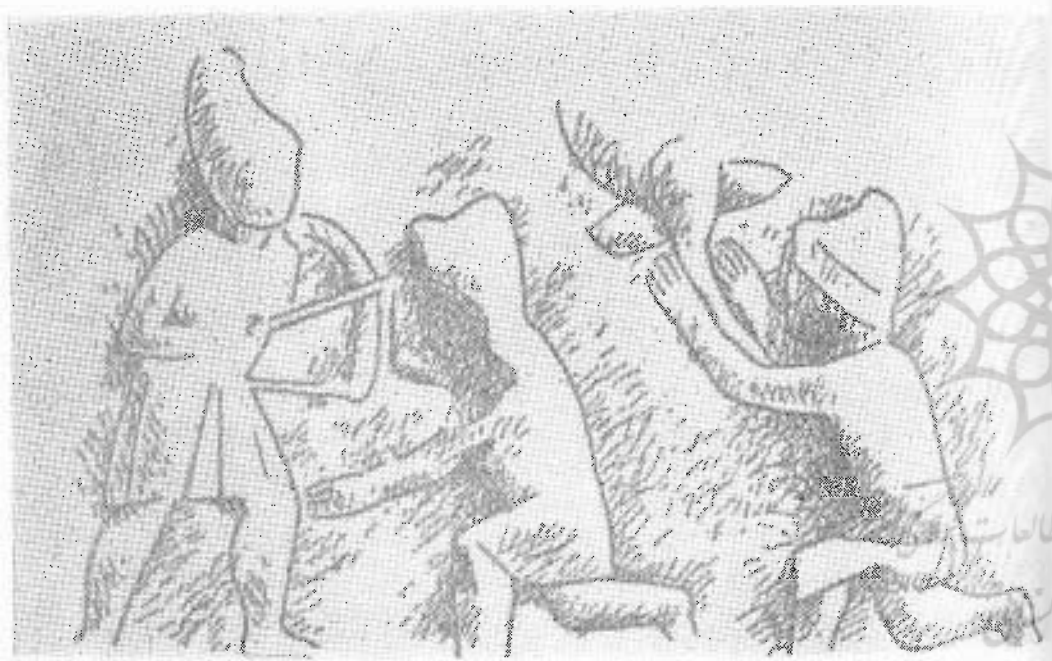
(۳۷) نگاه کنید به کتاب Vermaseren, Mithras, p. 41

(۳۸) همان کتاب، صفحه ۶۱.

(۳۹) همان کتاب، صفحه ۶۱.

(۴۰) همان کتاب، صفحه ۸۸.

در مهرابه هدرنهایم که بر يك روی لوح مهراب آن صحنه زایش مهر نقش شده بخ آنها دیده میشود و در نوشته کنار آن ذکر شده است که او بخ آنها است. (۴۱) ماهی یکی از نمادهای مهری بوده که عیسویان نیز به پیروی از آنها به کار میبردند. در مهرابه مریدا کنار پای تندیس مهر يك دلفین (نوعی ماهی پستاندار) دیده میشود. (۴۲) یکی از صحنه‌های زندگی مهر تیر انداختن او به صخره‌ای است. از جائی که تیر به آن میخورد آب بیرون میجهد و چشمه جاودانی روان میگردد. (۴۳)



پیکر ۱۰ - نقش برجسته در بزینگربایم: صحنه تیر انداختن مهر به صخره

و روان شدن آب زندگی از آن

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 25

(۴۱) همان کتاب، صفحه ۷۸.

(۴۲) همان کتاب، صفحه ۵۶.

برای نقش مایه در صحنه‌های مهری در شرق ایران نگاه کنید به پیکرهای ۱۹ - ۲۲ در کتاب Skulptura i Zhivopis Drevnego Pyandzhikenta, Moskva 1959

(۴۳) نگاه کنید به کتاب Vermaseren, Mithras, p. 78

در مهرابه سانتا پریسکا نوشته‌ای یافت شده که میگوید: « چشمه‌ای در میان صخره‌ها که هر دو برادر را از نوشابه مینوی مینوشاند. » این دو برادر باید دو مردی باشند که در پیکر ۱۰ دیده میشوند. هر که از این چشمه بنوشد انوشه (بیمرگ) میشود. (۴۴)

درباره بستگی دین مهر با آب در گفتار نگارنده یادداشتی درباره مهر و زمان او، اشاره‌ای شده است. خلاصه‌اش این است که در نوشته‌های زردشتی که در آنها از آمدن سوشیانت (رهایش دهنده) یا بوختار - بختار (بخشنده گناهان) مژده داده شده ذکر شده است که مادر او باید دوشیزه باشد و از تخمه یا فر زردشت که در آب نگاهداری میشود هنگام آب‌تنی آب‌تنی گردد. عنوان دوشیزه مادر مهر اناهید (بی‌آهو، بی‌نک، immaculata) است. در کتاب پهلوی بندهشن آمده که خوره (فر) زردشت در زره (دریاچه) کیانسی (هامون) به اناهید سپرده شد.

از اینرو بود که بیرون مهرابه و درون آن همیشه چشمه آب زندگی روان بود. اوبولوس تاریخ‌نویس از پورفیری نقل میکند که غار مهری باید نزدیک به چشمه آب باشد. (۴۵) کومن مینوسد که چشمه خشک نشدنی در نزدیکی مهرابه‌ها میجوشید و دیدار کنندگان به آن نیایش میکردند و برای آن نذر و برات می‌آوردند. (۴۶) درون مهرابه‌ها نیز حوض و چاه آب دیده میشود. برای نمونه، در مهرابه کاپوا (پیکر ۵) در سکوی جنوبی یک سنگاب ساروجی و در سکوی دیگر یک چاه آب با راه‌آبها در کف مهرابه هست. (۴۷)

چون تخمه یا فر زردشت در آب نگاهداری میشد و مسیحای مژده داده شده باید از آن تخمه بیرون آید او را همچو مرواریدی می‌پنداشتند که درون صدف نگاهداری و پروده شده است. ویدنگرن مینویسد که مروارید در میان ایرانیان نشان بختار بوده و سپس در سرودهای سریانی نشان عیسی شده است. (۴۸)

و نیز چون تخمه یا فر زردشت در آب نگاهداری میشد به نظر می‌آید جای نگاهداری آن را در گل آبی نیلوفر (لوتوس) میدانستند و ازینرو نیلوفر با دین مهر بستگی نزدیک

(۴۴) همان کتاب، صفحه ۸۸.

(۴۵) همان کتاب، صفحه ۳۷.

(۴۶) کتاب نامبرده کومن، صفحه ۱۱۵.

(۴۷) نگاه کنید به Vermaseren, Corpus Inscriptionum, vol. I, p. 106

(۴۸) نگاه کنید به کتاب G. Widengren, Mesopotamian Elements in

دارد. (۴۹) این گونه فکر پیشینه دارد چنان که در بندهشن آمده است: « این نیز گفته شده که خوره (فر) فریدون اندر زره فراخکرت به نی‌بن نشست. »

این که نیلوفر در یادگارهای هنری « بودائی » فراوان دیده میشود و آن را یک نماد بودائی گمان کرده‌اند برای این است که این گونه یادگارهای هنری را از دین بودا پنداشتند، در حالی که از یادگارهای دین مهر است. برخی فرقه‌های بودائی مهر را بازگشت بودا میدانستند و او را به صورت بودای نقش میکردند. بررسی فرقه‌های بودائی - مهری و کارهای ادبی و هنری آنها و پرستشگاههای خور و چیزهای دیگر مهری در هند از گنجایش این گفتار بیرون است.

مسجد، خانقاه

میزد : نوشخوره و نوشابه

پیشنهاد بنیادی دین مهر کشتن گاو (۵۰) (پیروزی بر زندگی فناپذیر و فدا کردن خواهشهای نفس برای دیگران) سایه «خورشید سواران» طلب، رنج خود و راحت یاران (طلب) و در پی آن زایش دوباره مرد در زندگی نوین جاودانی است. (۵۱) گام نخست، کشتن گاو، صحنه‌ای است که در همه مهرابه‌های مهرابه‌ها نقش شده است و آن برجسته‌ترین کار مهر و نشان و بازنماینده دین او است. (۵۲) پس از کشتن گاو، مرد در انوشگی

(۴۹) در صحنه زایش مهر چیزی مانند میوه کاج که مهر از آن بیرون می‌آید به نظر نگارنده آنچه «نیلوفر» است نه «صخره». پیشنهاد «صخره» از اینجا سرچشمه میگیرد که یکی از لقبهای مهر در یونانی Petregenes «صخره زاد» است. شاید زاده شدن مهر از سنگ و صخره نیز بنیادی داشته باشد ولی بیشتر به نظر میرسد که تصحیفی عمدی یا سهوی باشد چنان که در مورد واژه‌های دیگر مهری دیده میشود. در یونانی petra صخره و petal-on کابریک است. و گیاهی نیز هست که petrion نام دارد.

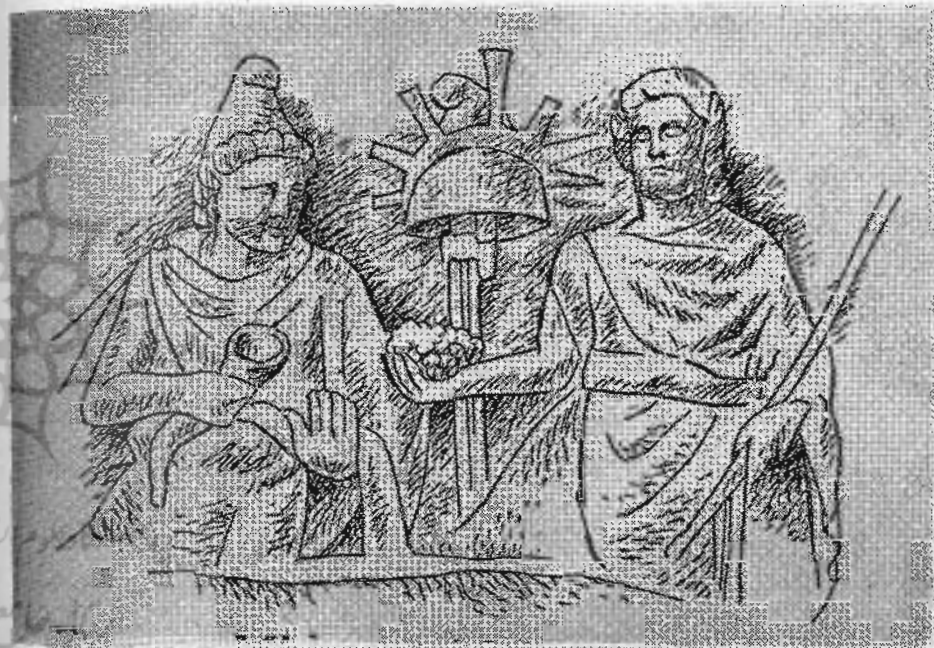
(۵۰) واژه اوستائی برای گاو (گو) و برای زندگی (گو) شاید از یک ریشه باشد و مهر حال گاو را نماد زندگی میدانستند. گاو به معنای خواهشهای نفس در ادبیات فارسی فراوان یافت میشود؛ برای نمونه، از دیوان شمس (مهر):

خوی ملکی بگزین بر دیو امیری کن گاو تو چو شد قربان یا بر سرگردون نه

(۵۱) نیز نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 68

(۵۲) در بندهشن، آنجا که از آمدن سوشیانت مژده داده شده آمده است که سوشیانت با یارانش گاو را به یز کشند و از پیه آن گاو و هوم سفید نوشابه فراهم کنند و به همه مردمان دهند و همه مردمان انوشه شوند همیشه و جاودان. مهر سوشیانت به همین عنوان در نوشتدای در رم سروده شده است، « نماز بر سوشیانت » nama Sebesio (نگاه کنید به کتاب نامبرده Vermaseren صفحه ۳۶).

(بیمرگی) گام میگذارد و نماد بدست آوردن این زندگی نوشیدن خون فدیه (یا بجای آن نوشابه) و خوردن گوشت فدیه (یا بجای آن نوشخواره) است. (۵۳) به این جهت است که پس از صحنه کشتن گاو صحنه‌ای که بیش از همه در مهرابه‌ها دیده میشود صحنه شام و بزمی است که مهر پیش از آن که در گردونه خورشید بالا رود با یاران خود برپا داشت (۵۴) و پس از او پیروانش به یادبود آن شام این سفره و میز را همواره برپا میداشتند، و امپازگشتن در آشامیدن نوشابه و خوردن نان نوشخواره را نمادی از امپازگشتن در زندگانی جاودان با مهر میدانستند. (۵۵)



پیکر ۱۱ - مهر هنگام برگزاری آیین میزد (از نقش هلدرفه‌هایم)

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 35

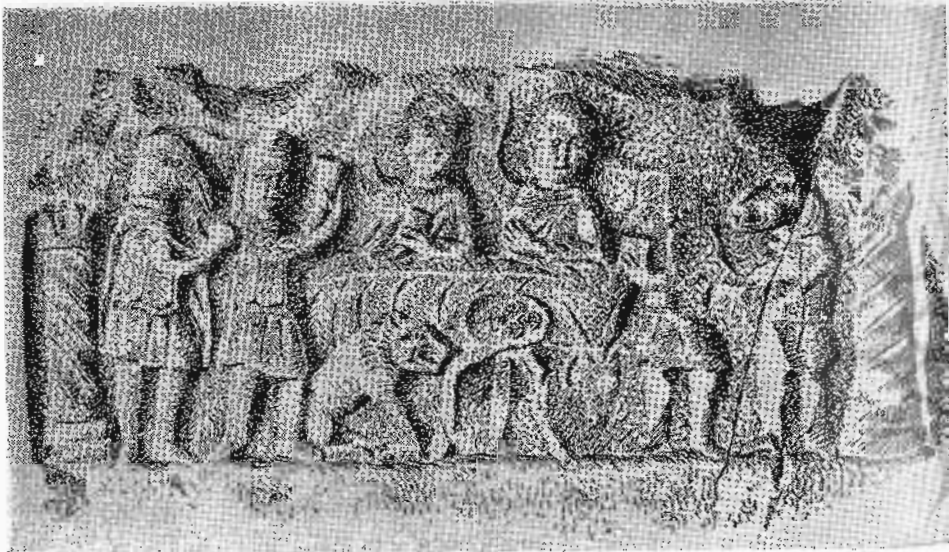
(۵۳) همان کتاب، صفحه‌های ۵۰ و ۱۰۲.

نوش، ارستا، انوشه، به معنای بیمرگ و جاودان است. نوشابه آب بیمرگی و زندگی جاودان و نوشخواره خوراک زندگی جاودان است. صورت بهلوی نوشخواره (نوشخوارک) هنوز در کلیسای ارمنی به همین معنا در شام مقدس عیسوی به کار میرود.

(۵۴) همان کتاب، صفحه ۹۸. گاهی صحنه کشتن گاو را در یک روی لوح و صحنه میزد را در پشت آن نقش میکردند و در مهرابه میگذاشتند و آن لوح روی پاشنه‌ای میگردید و هنگام برگزاری آیین با چرخانیدن لوح پرستنده میتوانست هر دو صحنه را بنگرد. (همان کتاب، صفحه ۹۹.)

(۵۵) همان کتاب، صفحه‌های ۹۹-۱۰۰.

ترتولیان، یکی از پدران کلیسا، مینویسد که مهریها نه تنها تقلید اهریمنی از شام مقدس عیسویان میکردند بلکه راز رستاخیز را نیز این سان روی صحنه می‌آوردند. آنها باور میداشتند که با خوردن گوشت گاو و نوشیدن خون او به زندگی نوین در می‌آیند و این نوشخواره و نوشابه نه تنها نیروی تن به آنها میدهد بلکه رهایش روان و زندگی نوین و روشنی جاودان به آنها می‌بخشد. (۵۶)



پیکر ۱۲ - صحنه میزد مهریان (از نقش برجسته کونجیک دریوگواسلاوی)

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 36

کلیسای عیسوی که این آیین را از مهریها آموخته بود و آن را یادبود شام آخر عیسی با شاگردانش میدانست و همان معنایی را که مهریها به آن میدادند پذیرفته بود نگرانی ویژه‌ای از بازماندن صحنه‌های این بزم داشت. در ویرانگری مهرابه‌ها بدست عیسویان نقشی را که بیش از همه آسیب می‌رساندند تا بکلی ناپود شود همین صحنه میزد بود؛ چنان که در مهرابه سانتا پریسکا می‌بینیم که چون عیسویان بدون مهرابه راه یافتند با تبر به چنان دیواری که صحنه میزد بر آن نقش بود افتادند درحالی که دیوار دیگر را دست نخورده رها کردند. (۵۷)

(۵۶) همان کتاب، صفحه ۱۰۳.

(۵۷) همان کتاب، صفحه‌های ۴۸ و ۱۰۳.

پدران کلیسا در همان حال که میکوشیدند میزد مهریان را يك کار اهریمنی وانمود کنند که برای گمراهی عیسویان برپا شده است میخواستند تا آنجا که میشود از همانندی آن با شام مقدس خود بکاهند. یوستین، یکی از پدران کلیسا، مینویسد که پیروان مهر در برگزاری آئین رازآمیز خود نان و آب به کار میبرند. او بجای «شراب» از روی عمد واژه «آب» را به کار برده، هر چند میدانیم که در میزد مهریان شراب نوشیده میشده است. در دورا-اوروپوس هزینه مهرابه روی دیواری یادداشت شده و سر سیاهه هزینه می آورده شده است. خوشه انگور روی نقش هدرنهایم (نگاه کنید به پیکر ۱۱) نشانی دیگر از آن است. روی نقش دیگری در کشور پرتغال پیشگری دارد می را از کوزه ای در پیاله میریزد و پیشگری دومی بشقابی در دست دارد که روی آن گرده نان است. (۵۸)

این شام، مانند پیشامدهای دیگر زندگانی مهر، درغاری برپا میشود و مهر پشت میزی نشسته یا تکیه داده است. (۵۹) در نقشهای دیگر گاهی مهر با پیروانش روی پوست گاو کشته شده نشسته اند. (۶۰) نقش برجسته ای در مهرابه مریدا سه پیکر را نشان میدهد که پشت میزی که روی آن نوشخواره است نشسته اند و دو پیکر دیگر با جامه بلند در دو کنار میز ایستاده اند. پیکر دیگری از سمت چپ با بشقابی در دستش بسوی آنها می آید و روی آن بشقاب کله گاو است. (۶۱) در پاره ای از نقشها در بشقاب نوشخواره نان و میوه (خوشه انگور) و گاهی ماهی و تکه گوشت دیده میشود. (۶۲)

در مهرابه سانتا پریسکا، که ویران شدن صحنه میزد آن بدست عیسویان در بالا یاد شد، روی دیوار پشت سکوی دست چپ بازمانده نقش بسیار زیبا و باشکوه این صحنه دیده میشود. در يك طاقتمای تاریک که تنها با پرتو زرین شمع روشن میشود مهر روی نیمکت پشت میزی تکیه کرده و جامه سرخی در بر و کلاه «شکسته» مهری بر سر دارد و دست راست خود را روی شانه همنشینش نهاده است. در دو طرف او دو پیشگری ایستاده که یکی نوشابه در دست و دیگری روی بشقابی نوشخواره را نگاه داشته است. چند جوان دیگر در این صحنه دیده میشوند که پیشکش می آورند. پیشاپیش آنها مردی راست بالا و آرام دیده میشود که در دست راست خود يك شمع روشن و در دست چپ يك دسته شمع دارد. پشت سر او مردی خروسی در دست دارد، دیگری جام بلورینی در دو دست نگاه داشته

(۵۸) همان کتاب، صفحه های ۱۰۲ - ۱۰۳.

(۵۹) همان کتاب، صفحه ۹۸.

(۶۰) همان کتاب، صفحه ۱۰۱.

(۶۱) همان کتاب، صفحه ۵۷.

(۶۲) همان کتاب، صفحه های ۱۰۰ و ۱۰۱.

که در آن گرده نان است، و سومی آوندی دیگر در دست دارد. این سان پیروان مهر بزم رازآمیز زندگی جاودان را در پیشگاه یزدانی مهر بر پا میدارند. پس از بالا رفتن مهر، پدر یا پیر مهریان (پیر مغان) جای او را در نقشها میگیرد و تنپوش مهر را در بر دارد. در مهرابه سانتا پریسکا برای او و همنشینش (پیک خوره) نیمکت جداگانه ای گذاشته شده که هنگام برگزاری آئین میزد روی آن آرمیده اند. (۶۳)

دین مهر بر پایه دین زردشت نهاده شده بود و آئینهای آن دنباله آئینهای زردشتی بود. آئین مرکزی کیش زردشتی آتش بود که بر آدریان (آتشگاه) مسوخت و زردشتیان آن را همچو نماد اهورمزدم می پرستیدند. (واژه پرستیدن به معنای «گرد چیزی گشتن» و برگردانده آن به عربی طواف است.) آنچه می که گروندگان به زردشت در آن گرد می آمدند در گاهان (سرودهای زردشت) «مکه (مغه) خوانده شده و کسی که در آئین آن انجمن امیاز میشد «مگهون» نامیده میشد. هر جا در گاهان واژه مکه به کار رفته با سور و بزم و میهمانی و میزبانی و سرود و ستایش همراه است (۶۴) و آن صورت کهن «دیرمغان» است که وصف درست و زیبای آن در ترجیع بند هانف آمده است.

از ریشه دیگری، میز (مید)، در اوستا «میزده» (به فتح می) داریم که در پهلوی «میزده» میشود و آن بزم زردشت است که در آن نوشابه «زور»، فشرده هوم) و نوشخواره (درون) یا گرده نان) گسارده میشد.

درست است که در اوستا گاهی میزده تنها برای نوشخواره در برابر نوشابه آمده و خوردنی سفت است نه آبکی، چنان که در معنای واژه «میده» در فارسی باز مانده (میده آب انگور است که نشاسته و آرد گندم در آن کنند و بجوشانند تا سخت شود و آن باساق یا باسلق است) و در عربی به صورت «مأده» ضبط است، ولی پیدا است که برای همه آئین که هم نوشیدن و هم خوردن است به کار میرفته، چنان که در فرگرد هشتم و نندیداد آمده «میزدم گومنتم مذومنتم»، در زند پهلوی آن «میزد گوشومند و میمند».

واژه میزده در فارسی به صورت «میزد (میگزد)» (مهمانی و بزم و میکساری) و «میز» (سفره) باز مانده است. واژه «ماز» در «بگماز» فارسی باید از همین ریشه باشد. بگماز به معنای بزم و جشن و شادی است و جزء اول آن «بگ»، بگ، به معنای خداوند و آن عنوان مهر است. این سان بگماز به معنای جشن بزم یا بزم مهر است. واژه «میز

(۶۳) همان کتاب، صفحه های ۴۹ و ۱۰۱ - ۱۰۲.

(۶۴) در پاره مکه نیز نگاه کنید به کتاب E. Herzfeld, Zoroaster and

(ماز) ، با دین مهر به زبان لاتین رفته و به صورت Mass که میزد عیسویان است به کار می رود .

جائی که میزده در آن گسارده میشد « میزده کده » بود که صورت نوین آن میزدکده و میزکت و مزکت و عربی شده آن « مسجد » میشود . صورت دیگری از میزده در اوستا (با پسوند تره) میستره (به فتح ی) است (۶۵) که در فارسی به صورت « میاستوه » و « میاستوه » ضبط است و آن را « پرستشگاه ترسایان » معنا کرده اند و باید تصحیفی از « میاستر » باشد .

« خورن » بزم و مهمانی است (مانند مگه) و آن چه گسارده میشود « خورش » است و « هورورش » خوردنی خوب است یا جنبه دینی و مینوی آن ؛ واژه هورورش در یونانی به صورت Eucharist-ia آمده که واژه مهری است و هنوز برای میزد عیسویان به کار می رود . (۶۶)

خوان (۶۷) مینوی مهربان در خوانگاه یا « خانقاه » گسترده بود و چون خانقاه جائی بود که درویشان مهری در آن لنگر می انداختند و « لنگری » میشدند (همین واژه با همین معنا با دین مهر به اروپا راه یافت و لنگریها را در دیر عیسوی anchorite می نامند) خوان ناهار و شام روزانه را نیز در خانقاه گسترده میداشتند چنان که هنوز میکنند . جلوی مهرابه ای در بندر اوستیه نزدیک رم آشپزخانه کوچکی دیده میشود . (۶۸)

گذشته از این که میزد میتواند به صورت تراشیده شده « میده » و سپس « می » در آید ، چون می به هر حال مرکز آئین مهری بوده مسجد مهری را به « میکده » و « میخانه » نیز در ادبیات معانه فارسی گزارش کرده اند . از خوردن « می » در بزم مینوی دین مهر تا میکساری گامی بیش نیست . بعدها میزد و بگماز به معنای بزم میکساری در آمده و خرابه های معان که در آنها « نور خدا » دیده میشد و « بزمگه خلق و ادب » بود به معنای خرابات

(۶۵) در باره میستره و میزده نیز نگاه کنید به کتاب نامبرده هرتسفلد ، فصل ۱۸ .
(۶۶) این واژه در یونانی پس از زمان مهر به کار رفته و بعدها به صورت فعل نیز صرف شده به معنای « زیر منت گذاشتن » (نمک گیر کردن) و « سپاسگزاری کردن » (نمک گیر شدن) .

(۶۷) خوان و خان در نسخه های شاهنامه برای آتشکده نیز به کار رفته ، چنان که در داستان کربسرو آتشکده آذرگشسب « خوان آذرگشسب » خوانده شده است . برای این یادداشت و چند یادداشت بسیار سودمند دیگر از برادرم آقای علی مقدم سپاسگزارم .

(۶۸) نگاه کنید به کتاب Vermaseren, Mithrae, p. 41

(به فتح خ) میکساری و عیش درآمد و به این معنا (با جابجا شدن خ و ر) در واژه cabaret باز مانده است . (۶۹)

مهرابه های ایران

در بالا اشاره کردیم که مهرابه ها را در دوره ساسانی به صورت آتشکده و سپس در دوره اسلامی به صورت مسجد در می آوردند . ولی مهرابه هایی که شهرت بسیار داشتند یا گنجینه های گرانبهائی در آنها گرد آمده بود و نمیشد آنها را به آسانی به صورت آتشکده در آورد یا گنج آنها از دشمنان را بر می انگیزخت تاراج و ویران میشد ، مانند مهرابه بزرگ کنگاور که به نام دوشیزه مادر مهر « ناهید » خوانده میشد . بسیاری از مهرابه ها چه در آسیا و چه در اروپا برای گرامی داشتن مادر مهر به نام ناهید نامگذاری شده بود و همین رسم را عیسویان پیش گرفتند و بسیاری از کلیساهای بزرگ به نام بانو مادر خداوند خوانده میشود .

غارهای طبیعی بیشمار که چشمه آبی هم زیر پا کنار آن روان است هنوز جنبه مقدس و زیارتگاهی دارند و چه بسا رهسپاران از گوشه و کنار ایران گزارش میدهند که بیرون یا درون این غارها نقشهائی که جنبه دینی دارند دیده اند . آشنائی بیشتر با دین مهر پرتو تازه ای بر صدها یادمان مهری در ایران و سرزمینهای همسایه خواهد افکند .

نمونه يك دهانه غار ساخته شده که چشمه آبی نیز از کنار آن میجوشد و صحنه های مهری در آن هنوز بجای مانده طاق بستان است (پیکر ۱۳) . باستانشناسان آن را يك اثر هنری ساسانی گمان کرده اند و آن را به شاهنشاهان ساسانی نسبت داده اند ، از جمله اردمان آن را از پیروز و هرتسفلد آن را از خسرو پرویز میدانند ، هر چند تاج ویژه پیروز یا خسرو در صحنه شکار شاه دیده نمیشود . (۷۰) حال شکی نیست که همان سان که ساسانیان مهرابه های اشکانی را به صورت آتشکده در می آوردند در یادمانهای دیگر مهری نیز دست می بردند و از خود چیزی بر آنها می افزودند یا گاهی پاره ای از نقشه های آنها را پاک میکردند و صحنه های دیگری بجای آنها می تراشیدند و با يك رنگ ساسانی

(۶۹) این گونه دگرگون شدن معنای واژه های دینی همانند دارد . برای نمونه « قلندر » که پایگاه بلند منشی داشته همین سان معنای خود را در فارسی از دست داده است . قلندری یا galanterie که در سده های میانه در اروپا صفت ارجمند دلبری و پهلوانی و پشتیبانی از ضعیف بوده اکنون نیز به معنای عاشق پیشگی و لوندی و فسق در آمده است . (۷۰) نگاه کنید به گفتار او زیر عنوان Khusrau Parwez und der Taq-i Vastan در Archaeologische Mitteilungen aus Iran جلد ۹ .

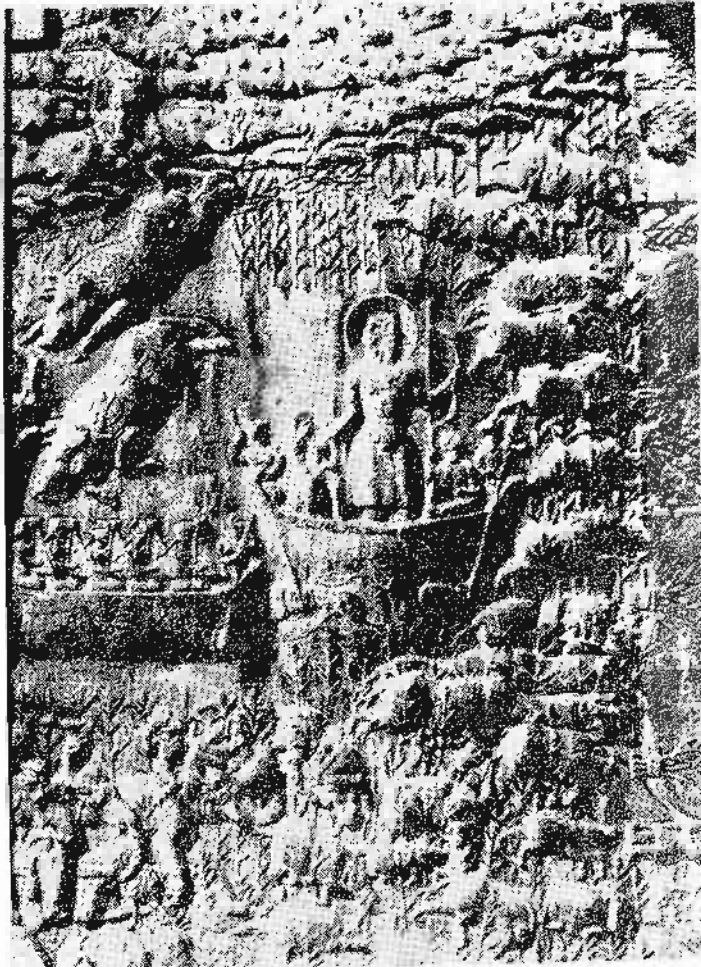
آنها را باز می‌گذاشتند. (۷۱) ولی طاق بستان چین‌های بنیادی مهری را هنوز نگاه داشته است.



پیکر ۱۳ - طاق بستان نزدیک کرمانشاه

(۷۱) همین کار نا زمان نزدیک به خودمان انجام گرفته است. دیدن نقشهای گوناگون فتح‌الملشاه قاجار در هر گوشه و کنار که معمولا در نزدیکی چشمه‌های آب کنده شده و آشکار است که یک نقش باستانی را پاک کرده و روی آن نقش تازه‌ای کنده است شخص را به این فکر می‌اندازد که در آن زمان بیگانگانی که از این یادمانهای مهری در ایران باخبر شده بودند و خطر آنها را برای کلیسا و تاریخ دین دریافته بودند شاه و درباریان او را با برانگیختن حس خودخواهی آنها بر آن می‌داشتند که این نقشها را نابود سازند و نقش خود و پسران و درباریان را جایگزین آنها گردانند.

در باره پیکر مهر در صحنه بیرون دهانه غار که روی گل نیلوفر ایستاده در گفتار نامبرده نگارنده در مجله دانشکده ادبیات اشاره شد. (۷۲)
بالای درگاه دهانه غار بزرگتر در دو طرف دو فرشته بالدار دیده میشوند. این فرشتگان مهری که در هنر دورا-اوروپوس و پالمیر نیز دیده میشوند بعدها در هنر عیسوی نموده شده‌اند و حتی زینت بخش سرآغاز نسخه‌های خطی فارسی هستند. یکی از این فرشته‌ها دیهیم مروارید و دیگری پیاله‌ای پر از مروارید در دست دارد. (۷۳)



پیکر ۱۴ - بخشی از صحنه شکار در طاق بستان

(۷۲) اکنون نیز نگاه کنید به کتاب Ghirshman, Iran, Parthians and Sasanians, p. 193.
(۷۳) نگاه کنید به کتاب Pope, A Survey of Persian Art, vol. I, Text, p. 599.

نماد برجسته مهری، نیلوفر و مروارید، هر دو در صحنه‌های طاق بستان باز نموده شده اند.

در گنجایش این گفتار نیست که همه صحنه‌های طاق بستان و یادمانهای دیگر مهری نزدیک آن را بررسی کنیم تنها به يك نکته در صحنه‌های شکار درون طاق اشاره میکنیم. در بازبینی صحنه شکار (پیکره ۱۴) مردی را که شکار میکرد کمان بدست در ناوی می‌بینیم که دور سر او هاله‌ای دارد که سخن از بزرگواری و مقدس بودن او میگوید. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد تنها پیغمبری که با شکار سروکار دارد و در صحنه‌های شکار با تیر و کمان نموده شده مهر است. (۷۴) در مهرابه دورا-اوروپوس در کنار فرات مهر را سوار اسب با تیر و کمان هنگام شکار می‌بینیم (پیکره ۱۵)، و همانند این صحنه در نقشهای برجسته (پیکره‌های ۱۶ و ۱۷) در آلمان و در نقشی (پیکره ۱۸) او را هنگام شکار با کماند



پیکره ۱۵ - مهر سوار اسب هنگام شکار؛ از مهرابه دورا-اوروپوس

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 28



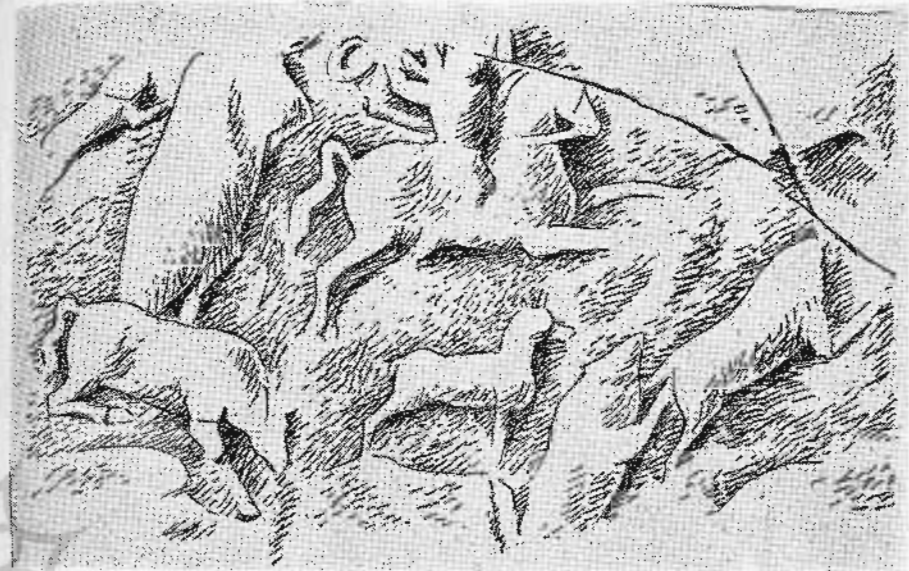
پیکره ۱۶ - مهر با تیر و کمان سوار اسب در تاخت؛ از نقش برجسته اوستربورگن در آلمان

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 26

پیکره ۱۷ - مهر سوار اسب هنگام شکار در جنگل سرو؛ از نقش برجسته نزدیک مهرانه نوینهایم در آلمان

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 27





پیکر ۱۸ - مهر سوار اسب هنگام شکار با کمند؛

از نقش برجسته در روکینگن

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 29

می بینیم. همچنین نقش زیبای آبرنگ روی دیواری در شوش که صحنه شکاری را نشان میدهد که خورشیدی جلوی یکی از سواران نیز نموده شده باید از مهرابه‌ای در آنجا باشد. (۷۵) نقش طاق بستان یکی از مقدسان مهری را نشان میدهد، و بر پایه اشاره‌هایی که در تاریخ داریم آقای بهروز این صحنه‌ها را از زندگی کودرز اشکانی میدانند که از پهلوانان و بزرگواران مهری بوده است. (۷۶)

اکنون برمیگردیم به بررسی مهرابه‌ای که در شاپور یا بیشاپور نزدیک کازرون از زیرخاک بیرون آمده است. کاوشگر آن، آقای گیرشمان، این ساختمان را آتشکده نامیده است. (۷۷)

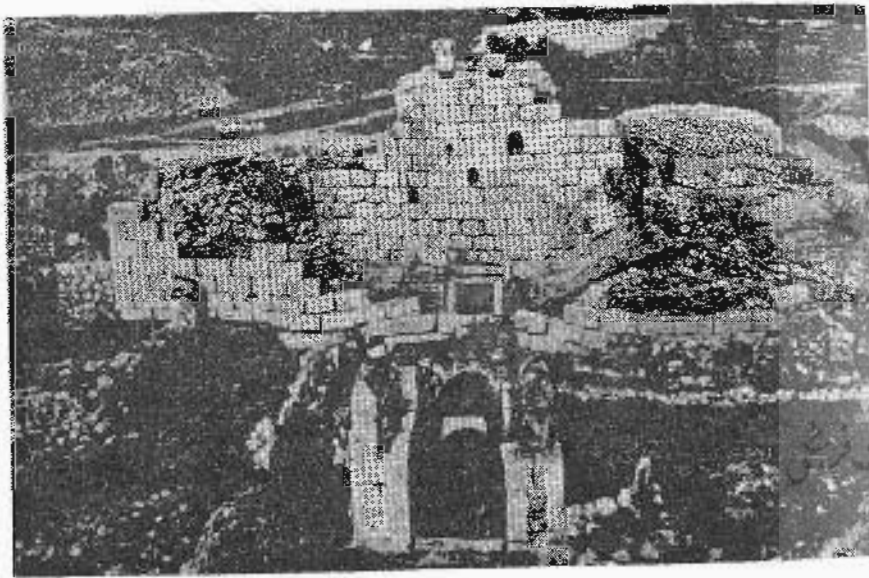
(۷۵) نگاه کنید به کتاب نامبرده گیرشمان، صفحه ۱۸۳.

(۷۶) نگاه کنید به کتاب «هنر نقاشی و پیکرتراشی در ایران زمین» از جلیل

ضیاء پور، تهران. آقای ضیاء پور بر پایه نظر آقای بهروز نقش طاق بستان را از صفحه ۱۲۴ به بعد در این کتاب بررسی کرده‌اند.

(۷۷) نگاه کنید به کتاب نامبرده گیرشمان، صفحه‌های ۱۴۸-۱۵۱.

این يك ساختمان زیرزمینی است که از سطح زمین با پلکان درازی به آن راه میتوان یافت (پیکر ۱۹). تا آنجا که میدانیم آتشکده‌ها را هرگز زیر زمین نمی‌ساختند بلکه برعکس آنها را بیشتر بر بلندیها برپا میداشتند، و میدانیم که ساختمان دینی زیرزمینی معمولا مهرابه است. راه آبهائی که در کف راهروها و دالانهای گرد این مهرابه از زیر خاک بیرون آمده، مانند راه آبهائی که در مهرابه‌های اروپا به آنها برخوردیم، خود گواه دیگری بر مهرابه بودن این ساختمان زیرزمینی است. زمین بلند کنار آن که سرستون گاو (پیکر ۲۰) اکنون در آن افتاده صحن این مهرابه بوده است.



پیکر ۱۹ - ویرانه مهرابه بیشاپور نزدیک کازرون

(پلکان درازی که به سطح مهرابه راه می‌یابد در میان عکس دیده میشود.)

نقل از کتاب Ghirshman, Parthians and Sassanians, fig. 189



پیکر ۴۰ - صورتون سگاو که در صحن مهرابه بیشاپور افتاده است

نقل از کتاب نامبرده گیرشمان، پیکر ۱۹۰



پیکر ۴۱ - دو آدریان بیشاپور

نقل از کتاب نامبرده گیرشمان، پیکر ۱۹۴

دو آدریان که به فاصله کمی از مهرابه دیده میشود (پیکر ۲۱) نیز مانند آدریانهای جفت در مهرابه‌های اروپا است. غارهای بزرگ طبیعی دور و بر بیشاپور، از جمله غار بزرگ شاپور، شهر بیشاپور را به صورت یک شهر زیارتگاهی مهری جلوه گر میسازد و آن یک شهر اشکانی بوده که در زمان ساسانیان نوسازی شده و در آن دست پرده‌اند و به نام آنها باز مانده است. بررسی با دقت در نقشهای بیشاپور پرتوهای تازه‌ای بر تاریکی‌ای که تاریخ اشکانیان را فرا گرفته خواهد افکند؛ جای شک است که نقشا و یادمانهای بیشاپور، و بسیاری جاهای دیگر، همه ساسانی یا بازمانده پشامدها و جنگهای دوره ساسانی باشد. (۷۸)

(۷۸) گفتگو درباره «کاخها»ی کنار این مهرابه و «کاخها»ی دیگر اشکانی- ساسانی و آتشکده‌های نامی تاریخی را که به نظر نگارنده بیشتر آنها یادمانهای دینی مهری هستند در این گفتار کنار گذاشتیم. همین کار را نیز در مورد یادمانهای بزرگ رومی (که آنها نیز بیشتر وابسته به دین مهر هستند) کردیم و تنها به بررسی آن چه که به نام مهرابه خوانده شده پرداختیم. چه بسا یادمانهای مهری در امپراتوری روم که باستان‌شناسان (برای کوچک کردن این دین تا آنجا که بتوانند) به فرقه‌های دیگر یا به «دین رسمی دولتی» (مثل این که دین رسمی بجز دین مهر بوده) یا به عیسویان (پیش از آن که به راه یابند) نسبت داده‌اند. همه اینها گفتگو و بررسی جداگانه می‌خواهد و امید است در آینده فرصت برای آن دست دهد.

هفت گنبد بهرام گور

نقش شماره هفت در دین مهر هویدا است. انجمن سرسپردگان و بروشنیان مهری هفت درجه داشت که از همه بالاتر «پیر» یا «پدر» بود. این هفت درجه در تمام جهان بین «(که به نامهای دیگر نیز خوانده میشود) در ادبیات مذاتنه فارسی بازمانده است و «پیر هفت خط» یا «پیر مغان» بالاترین درجه در دین مغان است.

در مهرابه دورا-اوروپوس باید از کف مهرابه هفت پله بالا رفت تا به مهراب رسید (پیکر ۲۲)، و شاید هنگام برگزاری آیین هر درجه‌ای تا پله همدیف درجه خود بالا میرفته و تنها پیر تا پیشگاه مهراب بالا میرفته است.

در ناحیه دانوب در نقشهای برجسته گاهی هفت درخت سرو با هفت خنجر دیده میشود که یکی در میان نموده شده و سر هر خنجر يك كلاه شكسته مهری آویزان است. (۷۹) گاهی هفت آدریان با هفت خنجر یکی در میان دیده میشود. (۸۰) نقش برجسته‌ای در مانهایم ردیفی از هفت آدریان کوچک را نشان میدهد. (۸۱)

در مهرابه هفت سپهر، در بندر اوستیه هفت دروازه روی کف زمین میان مهرابه نشان داده شده است. در مهرابه هفت دروازه، در اوستیه، پشت در آنگاه مهرابه، روی کف زمین با موزائیک سیاه و سفید يك دروازه بزرگ در میان نموده شده که در هر طرف آن سه دروازه کوچکتر دیده میشود (پیکر ۲۳). (۸۲) شاید یکی از آئینهایی که در مهرابه برگزار میکردند گذشتن از میان هفت دروازه بوده (۸۳) و «هفت شهر عشق (مهر) را عطار گشت» اشاره‌ای به آن باشد.

پیش اشاره کردیم که در مهرابه سان کلمنته در رم تالار کوچکی چسبیده به مهرابه دارای هفت طاقمنا بوده است. در جای دیگری در رم نیز هفت طاقمنا داریم که چهارتای آنها چهار گوش و سه طاقمناي دیگر نیمدایره هستند. (۸۴)

(۷۹) نگاه کنید به کتاب Vermaseren, Mithras, p. 158

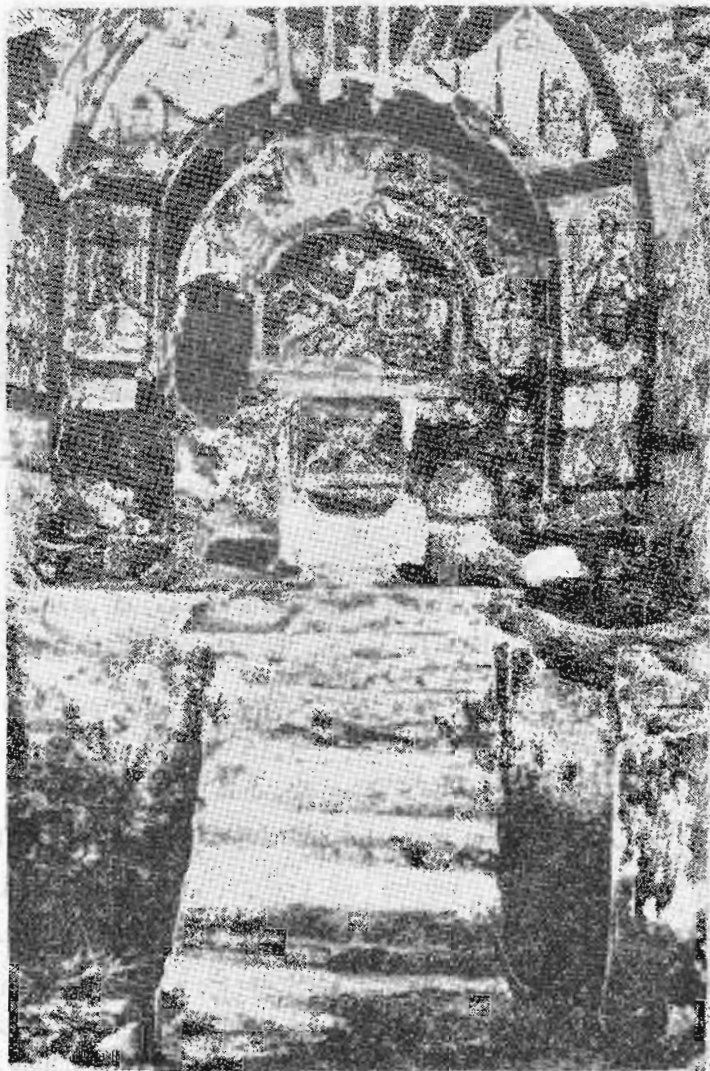
(۸۰) همان کتاب، صفحه ۶۸.

(۸۱) همان کتاب، صفحه ۱۵۸.

(۸۲) همان کتاب، صفحه ۱۵۷.

(۸۳) همان کتاب، صفحه ۱۵۹.

(۸۴) همان کتاب، صفحه ۱۵۳ و ۱۵۴.

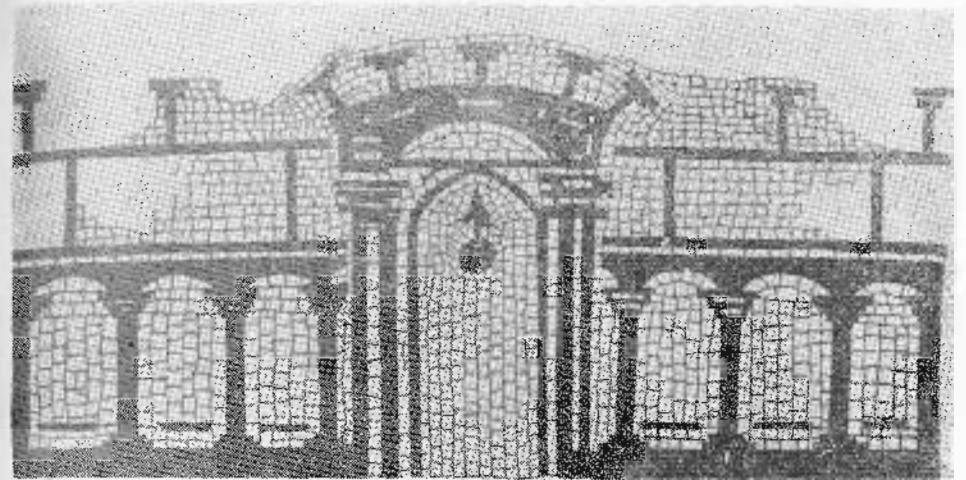


پیکر ۲۲ - هفت پله مهراب دورا-اوروپوس (۵۸)

نقل از کتاب Vermaseren, Mithras روبروی صفحه ۱۲۸-۱۲۹

تاریخچه ایران باستان (۷۸)

تاریخچه ایران باستان (۸۸)



پیکر ۲۳ - نقش هفت دروازه از مهرابه بندر اوستیمه نزدیک رم
نقل از کتاب Vermaseren, Mithras, fig. 63

نیز میدانیم که رسم بوده طاقنماها را به رنگهای گوناگون آراسته دارند. درمهرابه سانتاپریسکا دو طاقنما که زیر آنها پیکرهای دو شعلدار کار گذاشته بود یکی به رنگ نارنجی و دیگری کبود رنگ شده بود. (۸۵) این رنگها هر کدام وابسته به فلزی و ستاره‌ای بوده است. (۸۶) هفت ستاره رونده (ماه، خور، بهرام، آبر، هرمزد، ناهید، کیوان) سرپرست هفت درجه مهری و هفت روز هفته بودند. (۸۷) در نقش برجسته‌ای در بولونیا هفت ستاره، با ستاره هرمزد در میان، به ترتیب روزهای هفته نموده شده‌اند. (۸۸)

همه اینها نشان میدهد که داستان هفت پیکر با هفت گنبد که هر يك به رنگی آراسته بود و هر کدام با يك روز هفته و با یکی از ستارگان رونده بستگی داشت يك داستان مهری است و هفت گنبد مهرابه بزرگی بوده است. بررسی جزئیات داستان و زمینه تاریخی آن و جستجوی جای هفت گنبد و سدیر را برای گفتار دیگری میگذاریم.

(۸۵) همان کتاب، صفحه ۷۲.

(۸۶) همان کتاب، صفحه ۱۵۷.

(۸۷) همان کتاب، صفحه ۱۱۳.

(۸۸) همان کتاب، صفحه ۱۵۶.

همچنین، یادمانهای مهم مهری و اشکانی در سیستان و خراسان از کوه خواجو و بامیان تا کاوشهای تازه در نسا و پنج‌کند، و دین اشوکا و یادمانهای آن که در غارجا نقش شده، و نوشته سرخ کتل و جز آن که سراسر یادگارهای دین مهر است هر يك فصل جداگانه‌ای میخواهد، و این گفتار را که هم اکنون از حد خود گذشته است با اشاره‌ای به یادمانهای مهری در شرق دور پایان میدهم.

یادگارهای دین مهر در شرق دور

روی يك بادبزن کهن ژاپنی نقش يك ژاپنی را می‌بینیم که کلاه شکسته مهری بر سر دارد (پیکر ۲۴). پیکر دیگری از چین، از زمان خاندان تانگ یا شاید پیش از آن، مردی را با کلاه مهری نشان میدهد که پرنده کوچکی در دست گرفته است (پیکر ۲۵). ریش و سبیل و چهره او می‌نمایاند که «تاجیک» (از ایرانیان شرقی) همسایه چین است.

سنگ‌قبرهای بسیاری با نامهای ایرانی که تاریخ آنها با سالهای مهری داده شده پراکنده در چین یافت شده است. این سنگ‌قبرها و یادگارهای دیگر مهری و پاره‌ای نوشته‌های دینی مهری را که در چین پیدا شده سائکی ژاپنی در کتابی زیر عنوان «سندها و بازمانده‌های نسطوری در چین» گردآوری کرده است. (۸۹) از همه مهمتر یادمان مهری است که در هسیان‌فو پیدا شده است. این یادمان سنگی است با نوشته چینی و در آن فرمانی از فغفور چین هست در باره «دین روشنی» که به پیروان این دین اجازه داده است پرستشگاهی بسازند و آزادانه آئین دین خود را برگزار نمایند، و در آن پاره‌ای از عقیده‌ها و آئینهای این دین یاد شده است.

يك نکته که باید خاطر نشان شود این است که برخی از این نوشته‌ها در چین از مانویان است ولی در چین «دین روشنی» را از دین مانی باز میشناختند. پرستشگاهها و دیرهای دین روشنی در چین به نام «تاجین» خوانده شده است. سائکی مینویسد: «هوسونگ در کتاب خود زیر عنوان (دو شهر پایتخت تانگ) میگوید که در بخش

در تصویر (۴۴) یک پیکر با کلاه شکسته مهبری که در یک کلاه شکسته مهبری قرار دارد. این پیکر در یک کلاه شکسته مهبری قرار دارد. این پیکر در یک کلاه شکسته مهبری قرار دارد.



پیکر ۴۴ - پیکر يك ژاپنی با كلاه شكسته مهبری
روی يك بادبزن كه من ژاپنی
P. Y. Saeki, The Nestorian Monument in China.
رو بروی صفحه ۳۹

پیکر ۴۴ - پیکر يك ژاپنی با كلاه شكسته مهبری
روی يك بادبزن كه من ژاپنی
P. Y. Saeki, The Nestorian Monument in China.
رو بروی صفحه ۳۹

P. Y. Saeki, The Nestorian Monument in China, (1917) China, Tokyo 1931.



پیکر ۲۵ - پیکر مردی با كلاه مهبری ، از كارهای هنری دوره
خاندان تانگ یا پیش از آن
C. P. Fitzgerald, China, A Short Cultural History, Pl. IXb
نقل از كتاب

C. P. Fitzgerald, China, A Short Cultural History, Pl. IXb

مسمو شان يك پرستشگاه تاجپن بود و آن غير از پرستشگاه زردشتی و مانوی است. (۹۰) آن چه نظر عیسویها را به پادمان هسیان فو و سنگ قبرها نخست جلب کرد چلیپاهائی بود که روی قبرها و بالای سنگ هسیان فو کنده شده است (پیکر ۲۶) و فکرها و رسمهای عیسویمانندی که در نوشتن روی سنگ و نوشته‌های دیگر به آنها برمیخوریم از این رو پژوهندگان اروپائی این بازمانده‌ها را عیسوی گمان کرده‌اند و سائکی همه جا در کتاب خود واژه «تاجپن» را که در اصل متن چینی آمده به نسطوری برگردانده است!



پیکر ۲۶ - تکه بالای پادمان هسیان فو با چلیپا روی نیلوفر
مقل از کتاب Saeki, The Nestorian Monument in China (روبروی صفحه ۱۶۲)

ولی در باره چلیپا، میدانیم که آن یکی از نشانهای مهری بوده که همراه خود می‌بردند و حتی سرbazان مهری رم داغ چلیپا روی پیشانی خود داشتند. توتولیان،

از پدران کلیسا، میگوید که «در ملکوت شیطان، او (مهر) داغ خود را بر پیشانی سرbazانش میگذارد.» (۹۱) در پاپیروسی که در فلورانس پیدا شده آمده است که هنگام سرسپردن مهریها سوگندی یاد میکردند و آوردن سرسپرده بدرون جرگه بدست پیر و پیک انجام میگرفت و چون به جرگه «برادران در می‌آمد او را «برادر» سرسپردگان و پسر «پدر» یا «پیر» میشناختند و برای آن که همیشه به این عنوان شناخته شود روی دو دست او را خالکوبی میکردند. این داغ خالکوبی در تن مهریها و حتی روی تن امپراتوران رم بخوبی دیده میشود، ولی بجای دو دست داغ روی پیشانی آنهاست. (۹۲) شعر خواجه شیراز «رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بوده اشاره به همین داغ و مهر مهری است. (۹۳)

(۹۱) نگاه کنید به Vermaseren, Mithras, p. 145

(۹۲) همان کتاب، صفحه ۱۳۱.

(۹۳) همه این غزل سرودی بر از آرزو و حسرت به یاد مهر است:

یاد باد آن که نهانت نظری با ما بود

رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

با نامبردن عیسی (مسیحا - مهر) به مهر اشاره میکند:

یاد باد آن که چو چشمت به عتایم میکشست

ممجن عیسویت در لب شکرخسا بود

یاد باد آن که رخت شمع طرب می‌افروخت

وین دل سوخته پروانه بی پروا بود

به یاد قدح می و میزد مهری، می‌افتد، و خدا را در آن مین حاضر میداند:

یاد باد آن که چو یاقوت قدح خنده زدی

در میان من و لعل تو حکایتها بود

یاد باد آن که صبوخی زده در مجلس انس

چن من و یار نبودیم و خدا با ما بود

از خاموشی و سنگینی بزم مهر سخن میراند:

یاد باد آن که در آن بزمکه خلق و ادب

آن که او خنده مستانه زدی صهبا بود

به کلاه شکسته مهری و پیک خور اشاره میکند:

یاد باد آن که نگارم چو کله بشکستی

در رکابش مه نو پیک جهان بیما بود

(مانده در صفحه بعد)

برگردیم به بالای سنگ هسیان فو. (۹۴) درست بالای چلیپا یک مرورید درشت است. دو کنار آن دو دلفین (ماهی پسته‌ن‌دار) است که در دم خود نیز مرورید دارند. خود چلیپا روی گل نیلوفر گذاشته شده و در دو کنار گل نیلوفر دو ایر و دو شاخ گل دیده میشود. در بالا دیدیم که مرورید، ماهی دلفین، نیلوفر همه نمادهای مهری هستند. اکنون از نوشته چینی روی سنگ چند نکته را یادآور میشویم. درباره خاج میگوید که با بخش کردن خاج او چهار نقطه اصلی را نشان داد، و در جای دیگر این نوشته آمده که پیروان او خاج را همچو نشانی همراه خود میبرند و آن نشان چهار بخش جهان را یکی میسازد و هم‌آهنگی را که از میان رفته بود از نو بر میگردداند. (۹۵) پیدا است که اینجا معنای مهری خاج داده شده و اگر این یادمان از دین عیسی سخن میگفت آشکار است که بایستی آن را همچو نشان فداکاری عیسی و قربان شدن او برای بخشش گناهان و رهایش مردمان بنمایاند، و چون بنیاد دین عیسی بران نهاده شده محال بود که عیسویان چنین نکته اصلی را زیر پا بگذارند و خاج را بکلی نماد فکر دیگری جلوه گر سازند. برعکس، در نوشته چینی آنجا که از درگذشت آن بزرگوار یادی شده میگوید «او پارویی در ناو آمرزش برگرفت و بسوی کلاخ روشنی بالا رفت.» (۹۶)

(مانده از صفحه پیش)

به یاد خرابه و مسجد (مرزکد) مهر می‌افتد و افسوس آن را می‌خورد ؛
یاد باد آن که خرابات نشین بودم و مست
وان چه در مسجد امروز کم است آنجا بود
آیا در بیت آخر اشارهای به مرورید مهری است ؟
یاد باد آن که به اصلاح شما میشد راست
نظم هر گوهر ناسفته که حافظ را بود
عاتف گوید ؛

از می و جام و ساقی و مطرب وز مغ و دیر و شاهد و زنار
قصداشان نهفته اسراری است که به ایما کنند گام اظهار

از بخت خوب ما بود که کلید این رازهای نهفته را ذ. بهروز یافت و راهنمای ما شد. برای پی بردن به این رازها هنوز راه درازی در پیش داریم.

(۹۴) عکس روشنی از همه سنگ در کتاب F. van der Meer, Atlas of the Early Christian World, fig. 611 هست و وصف نقش بالای سنگ از کتاب Saeki, The Nestorian Monument in China صفحات ۱۲-۱۴ نقل شده است. (۹۵) کتاب نامبرده ساکی در پانویس ۹۴، صفحات ۱۶۲ و ۱۶۴ و ۱۹۶. (۹۶) همان کتاب، صفحه ۱۶۴.

و این درست مانند وصفی است که از بالا رفتن او در نوشته پهلوی ترفان آمده است : « همچو شهر یاری که زمین و تنبوش نهد و رخت شاهوار دیگر پوشد بدین سان پیمبر روشن فرا نهاد تن بار باره رزمگاهی و نشست به ناو روشن و رخت بغانی گرفت با دهبیم روشن و بساک هژیر هنگامی که بغان روشن از راست و چپ میشدند با سنج و سرود مانند برقی تیز و نیازك تند بسوی بامستان صبح روشن و ماه گردون همراه بغان به ورج بغانی پرید و نزد پدر آهورمزد بخ بماند. » (۹۷)

نکته دیگری در نوشته : « آنگاه یکی از سه گان ما می‌شی‌هو (مسیحا) که خداوند روشن جهان است شکوه و فر راستین خود را نهفت و به کالبد مردی بر زمین پیدا شد ؛ فرشتگان این مژده خوش را فرا گفتند ؛ دوشیزه‌ای در تاجین آن بزرگوار را بزاد. » (۹۸) فکر سه گانی یزدانی ، مژده دادن فرشتگان ، و زادن او از دوشیزه‌ای همه از دین مهر گرفته شده ؛ تنها دو نکته باید خاطر نشان شود . « می‌شی‌هو » (مسیحا) در چینی از صورت سندی واژه « مهر » که « همیشه » است گرفته شده و صورتهای گوناگون این واژه در عبری و سریانی و عربی همه از این واژه ایرانی سرچشمه میگیرد و سپس با ریشه تراشی عامیانه به « مسیح » کردن چسبانده شده است . نام « تاجین » که زادگاه مهر است برای گزارندگان عیسوی یادمان هسیان فو دشواری به بار آورده است . دکتر لگ استاد چین شناس درباره آن با افسوس میگوید : « دلم میخواست این عبارت در باره تاجین در این نوشته گذاشته نشده بود و دشوار است دریابیم که گنجاندن آن در اینجا چه سودی داشته است. » (۹۹) سائکی استاد ژاپنی این پاسخ را برای او دارد که سود این عبارت آن است که نشان میدهد از هزار و دوست سال پیش تاکنون چه پیشرفتهائی در جهان روی داده است . (۱۰۰) آنگاه بدون نگرانی « تاجین » را در این جمله « یهودیه » معنا میکند و در سراسر کتاب خود هر جا « دیر تاجین » آمده به « دیر نسطوری » برمیگرداند و نام کتاب خود را « یادمان نسطوری » میگذارد !

(۹۷) متن در کتاب Andreas-Henning, Mitteliranische Manichaica aus chinesischn-Turkestan, III, p. 16 و برگردانیده به فارسی در کتاب ذ. بهروز ، تقویم و تاریخ در ایران، صفحه ۱۰۶.

(۹۸) نگاه کنید به صفحه ۱۶۳ کتاب Saeki, The Nestorian Monument

(۹۹) نگاه کنید به صفحه ۱۷ کتاب Saeki, The Nestorian Documents

and Relics.

(۱۰۰) همان کتاب و همان صفحه .

بی آن که در اینجا به گفتگو در باره « تاجین » بپردازیم ، فقط اشاره میکنیم که اصل آن را باید در نام « تاش » در « تاشکند » جستجو نمود .
 يك نکته دیگر در نوشته درباره آئین پرستش « دین روشن تاجین » آمده است :
 « هفت بار در روز برای پرستش و ستایش گرد می آیند . » « آنها به آئین بسوی شرق روی می آورند . » « هر هفت روز يك بار آنها قربانی بی حیوان دارند . » (۱۰۱) روی آوردن به خورشید برای نیایش رسم مهریها بود که عیسویان در آغاز از آن پیروی میکردند ولی کلیسا آن را منع نمود . قربانی بی خون یزش است و اشاره به میزد مهریان است . روز یکشنبه که روز میزد و ستایش بوده در نوشته چینی به صورت « یائوسون » آمده که همان واژه یکشنبه فارسی است . (۱۰۲) شماره هفت چنان که دیدیم در دین مهر نقش برجسته ای دارد ولی تا آنجا که نگارنده میدانند عیسویها هرگز در روز هفت بار نماز نداشتند .

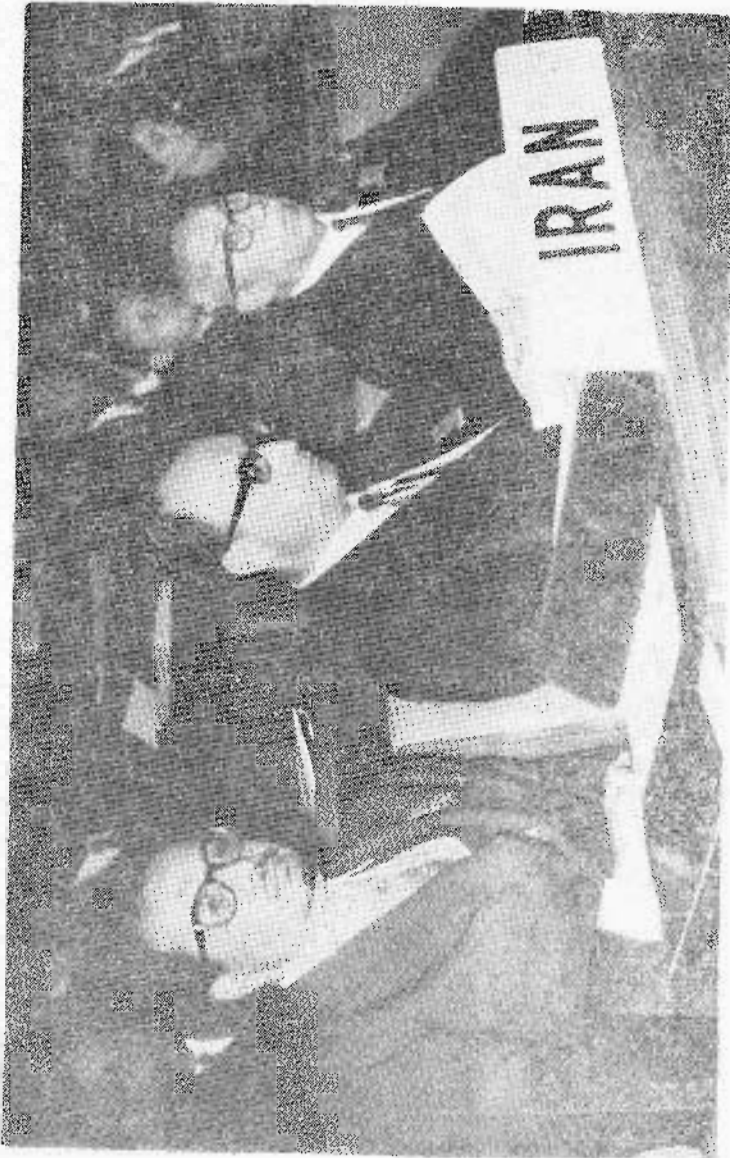
*
* *

ضمن بررسی مهرابه چشم اندازی از گسترش دین مهر در سراسر جهان باستان داشتیم و با اشاره های پراکنده باز ماندن آن را در دین « آشنائی » (عرفان ، gnosis) در ایران یادآور شدیم . نیز در نظر بگیریم که همان سان که « خور » به جای مهر به کار رفته معنای دیگر مهر « عشق » است . دین آشنائی و عشق بر بنیاد دین مهر پرورش شگفتی یافته و هرگز کهنه نمیشود .
 خواجه فرماید :

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
 یادگاری که در این گنبد دوار بماند
 بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد
 که حدیثش همه جا بر در و دیوار بماند

اگر از این راز پرده برداشته شود و در جای خود « مهر » را به جای « عشق » و گاهی به جای « عیسی » بگذاریم جهان تازه ای پیش چشمان ما روشن خواهد شد . در مثنوی آمده است که « صومعه عیسی است خوان اهل دل » و در تبصرة العوام نقل شده است که « عیسی علیه السلام خلق را به زردشت میخواند . »

(۱۰۱) نگاه کنید به صفحه های ۱۶۵ و ۱۶۴ کتاب Saeki, The Nestorian Monument
 (۱۰۲) همان کتاب ، صفحه ۱۷۵ .



سه تن از نمایندگان ایران در گنگره خاورشناسان
 (راست به چپ) آقایان علی اکبر جعفری ، شجاع الدین شفا ، مجید موقر
 Iranian Delegates at Orientalists Congress
 (L to R) Majid Movaghar, Shojaeddin Shafa, Ali A. Jaffrey



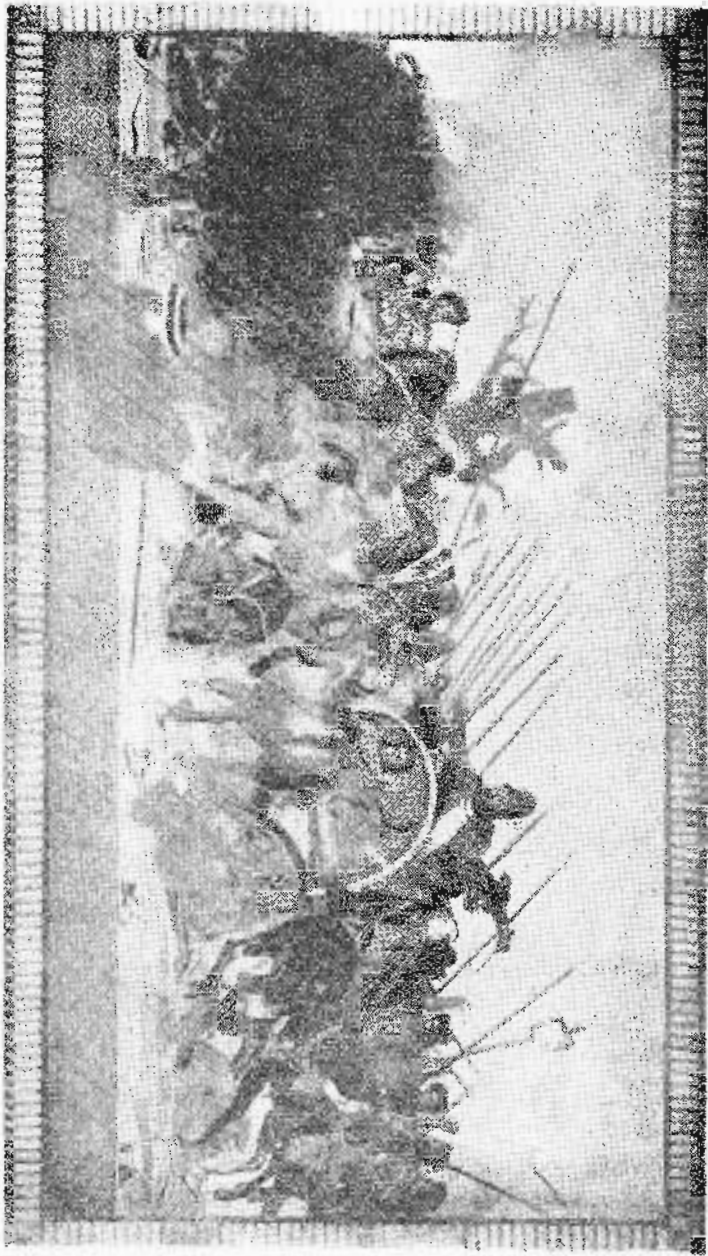
ش ۲- جامِ گلی با نقش سرباز یونانی و پرچمدار پارسی
(موزه لوور پاریس)

Earthen jar showing Greek soldier giving
finishing blow to Persian standard bearer.
(Musée du Louvre, Paris)



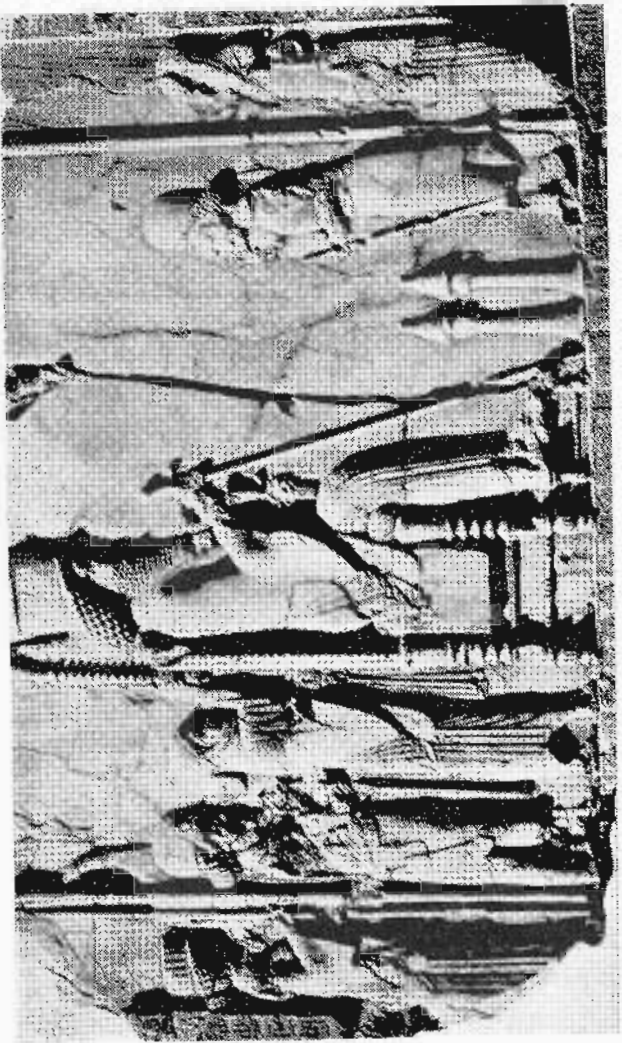
ش ۱- عقاب بال گشوده زرین دوره هخامنشی
(موزه بریتانیا)
Golden eagle, Achaemenian.
(British Museum)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

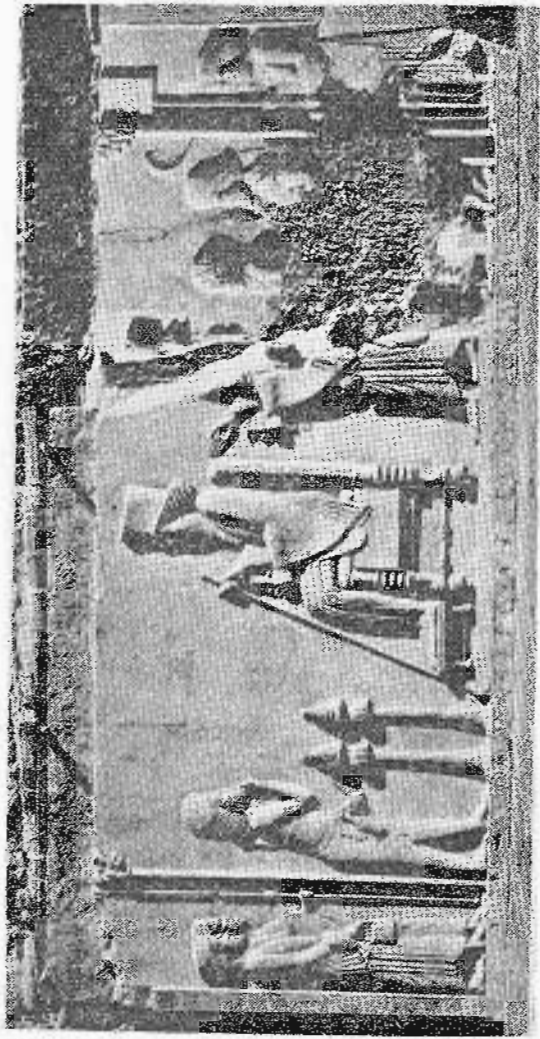


ش ۳- موزائیک از پهمی - جنگ داریوش و اسکندر
(موزه ملی ناپل)

Fig. 3 - The Battle of Issus between
Darius III and Alexander (Musee Nazionale, Naples)



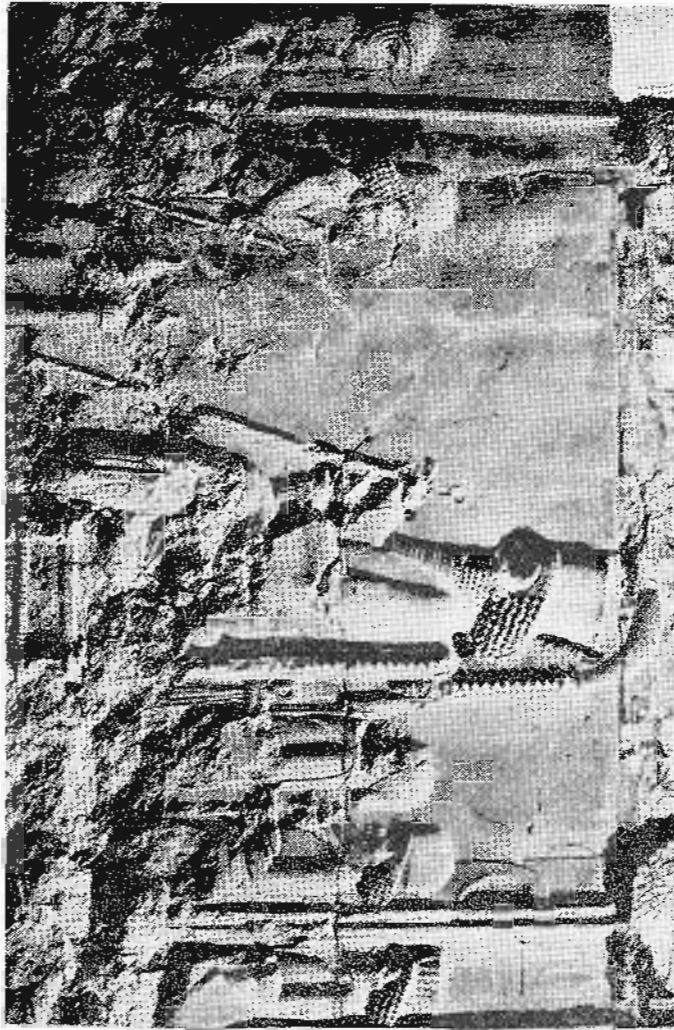
ش ۴- بارگاه داریوش بزرگ تالار صد ستون تخت جمشید
Fig. 4 - Darius the Great holding court,
Hall of Hundred Columns, Persepolis.



ش ۶ - بارگاه داریوش بزرگ خزانه تخت جمشید
Fig 6 - Darius the Great holding court,
Treasury, Persepolis.



ش ۵ - بارگاه داریوش بزرگ تالار صدستون تخت جمشید
Fig. 5 - Darius the Great holding court,
Hall of Hundred Columns, Persepolis.

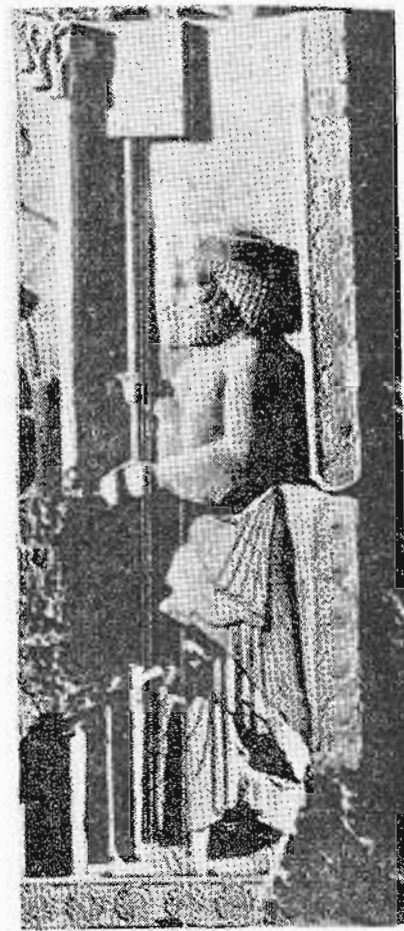
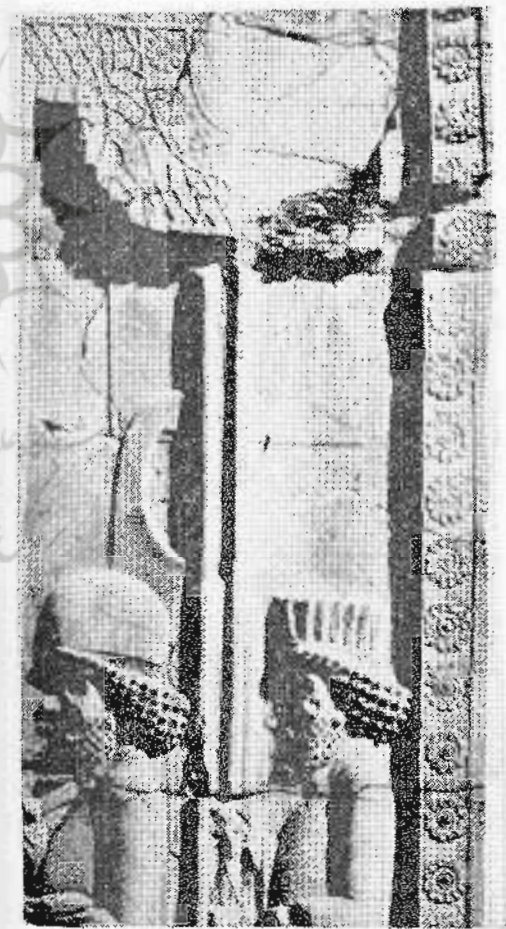




ش ۹ - نقش دیگری از پرچمدار پارسی
در تخت جمشید
Fig 9 - Persian standard bearer

ش ۷ - پرچمداران پارسی

Fig. 7 - Persian standard bearers →



ش ۸ - نقش دیگری از پرچمدار پارسی ←
Fig 8 - Persian standard bearer

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی



ش ۱۱ - سکه سیمن ۳ درهمی از بدداد یکم سده سوم پیش از میلاد
 Fig. 11 - Diagonal star-like drawing on coin struck by
 Baghodat I of post-Achaemenian kings of Pars.

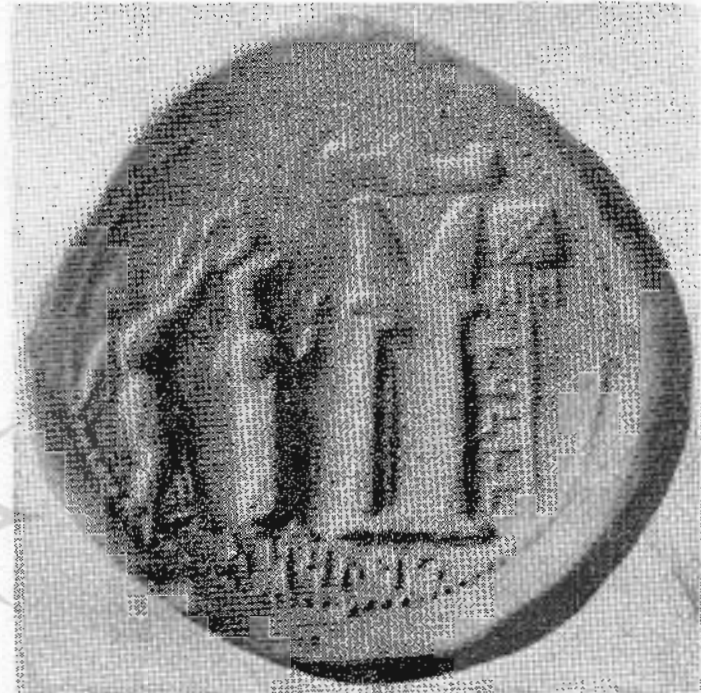


ش ۱۰ - نقش عقاب بال و پنجه گشوده بر لاجورد
 Fig. 10 - Eagle with wings and claws spread
 on lapis lazuli



ش ۱۲ - نقش عقاب روی سکه سیمین داریوش یکم (۴)
پادشاه محلی پارسی (۱۵۰ تا ۱۰۰ پیش از میلاد)

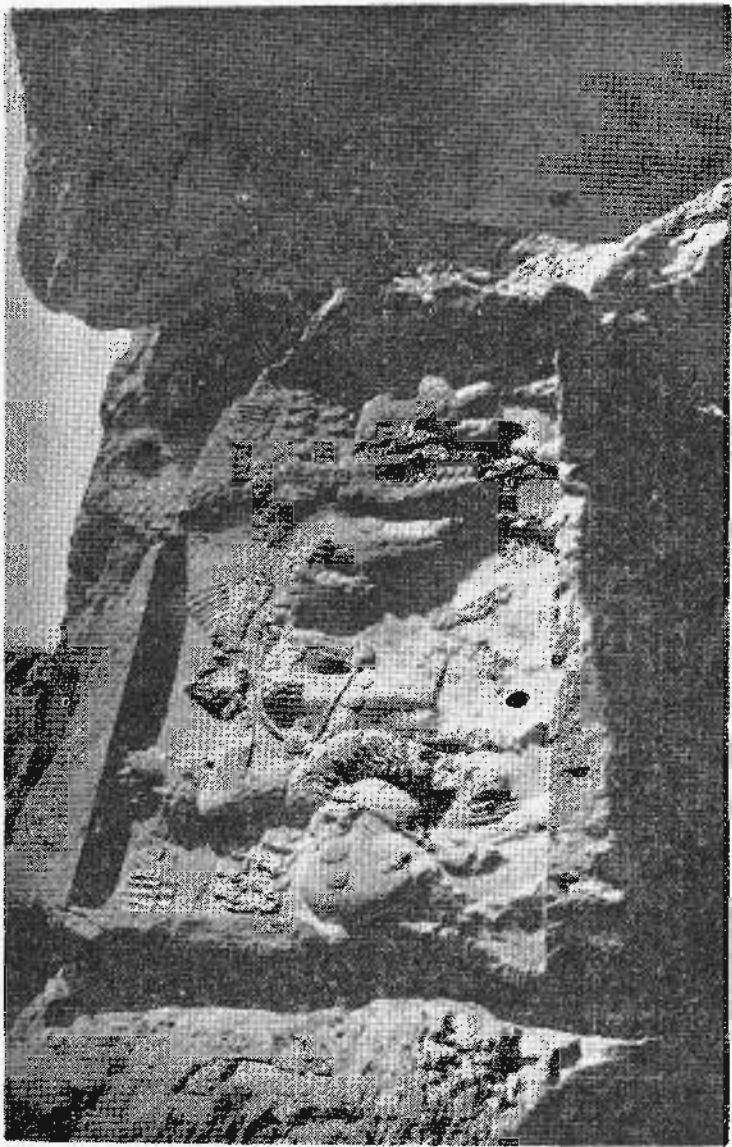
Fig 12 Profile of sitting eagle on coin by Darius I (?)
of post-Achaemenian kings in Pars.



ش ۱۱ الف - سکه سیمین فرادات اول سده سوم پیش از میلاد

Fig. 11-A Diagonal star-like drawing

شوریه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

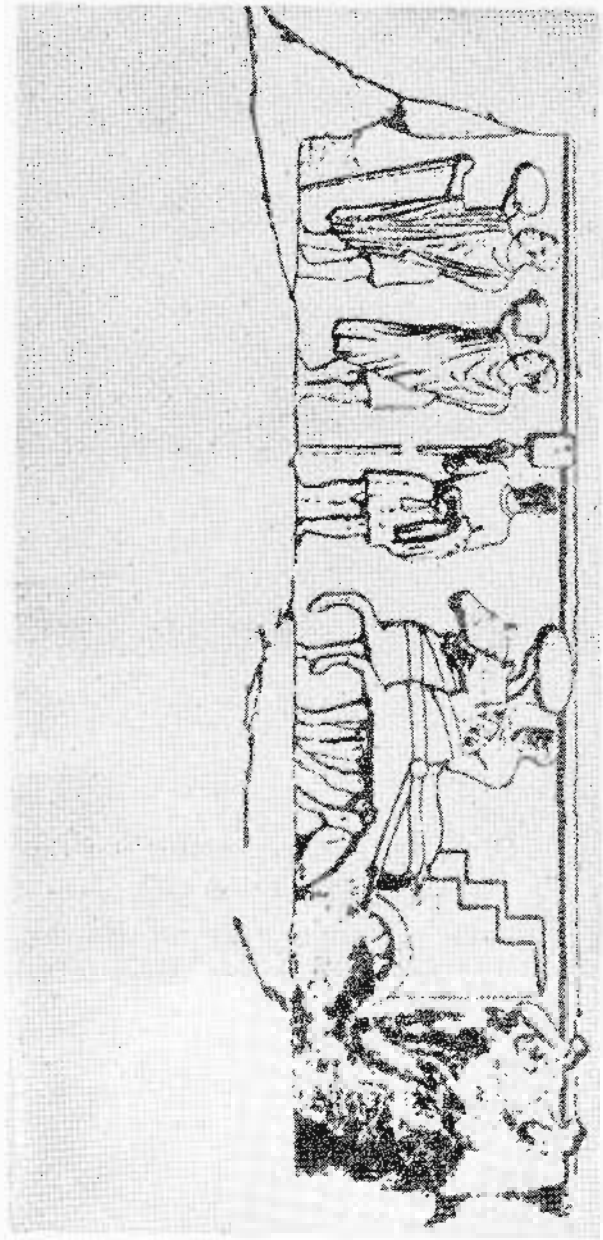


ش ۱۴ - نقش رجب، اعطای منصب شاپور اول

Fig. 14 - Naqsh-e Rjab : Shapur I's investiture.



Fig. 13 - Tang-e-Chowgan, Shapur I holding court



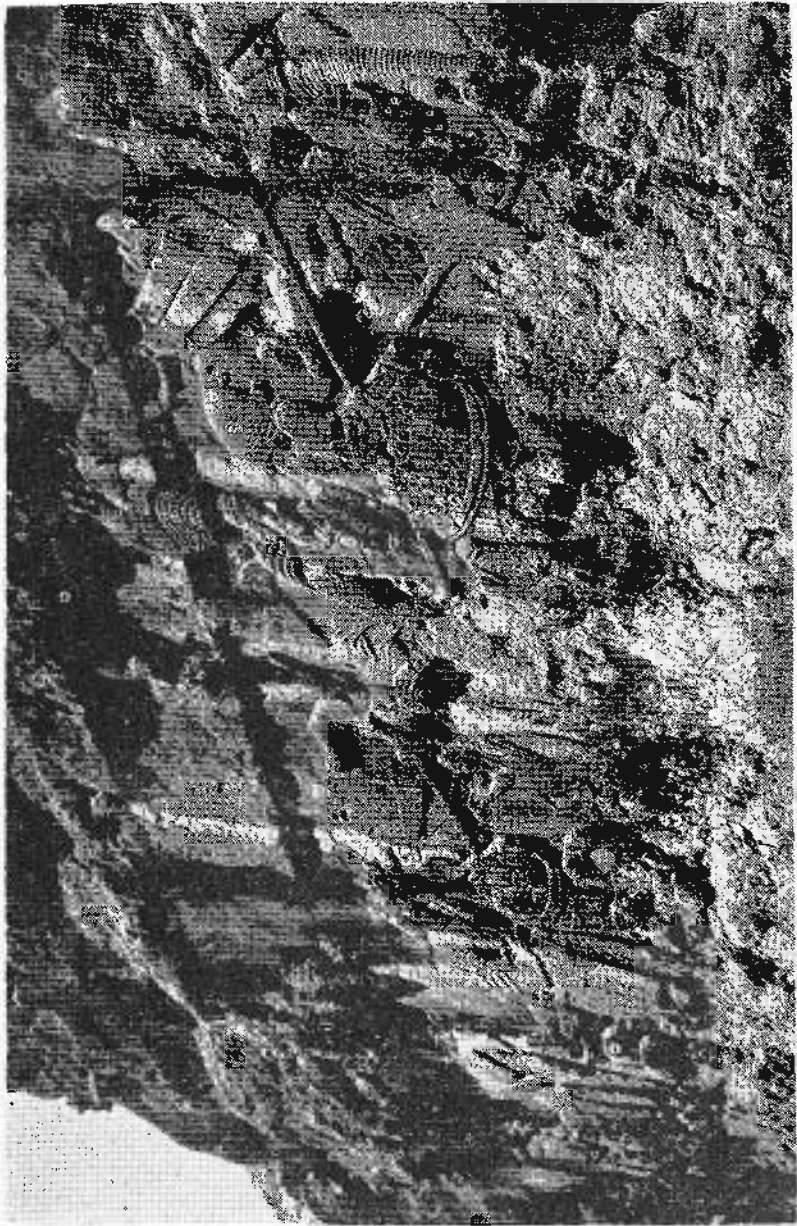


ش ۱۶ - دارا بگورد ، نقش برجسته شاپور و والریان
 Fig. 16 - Darabgerd : Shapur's triumph over Valerian.

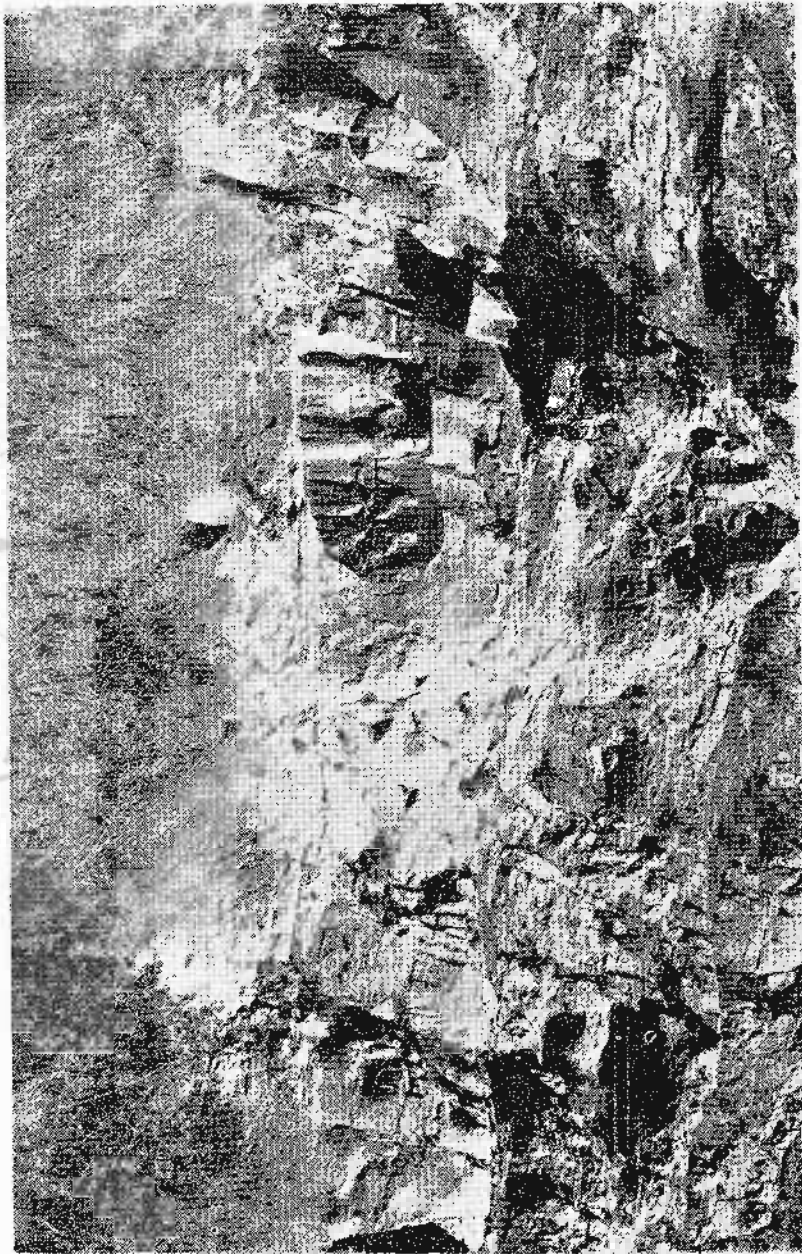


ش ۱۵ - نقش رستم ، دربار بهرام دوم
 Fig. 15 - Nagsh-e-Rostam : Bahram II holding court

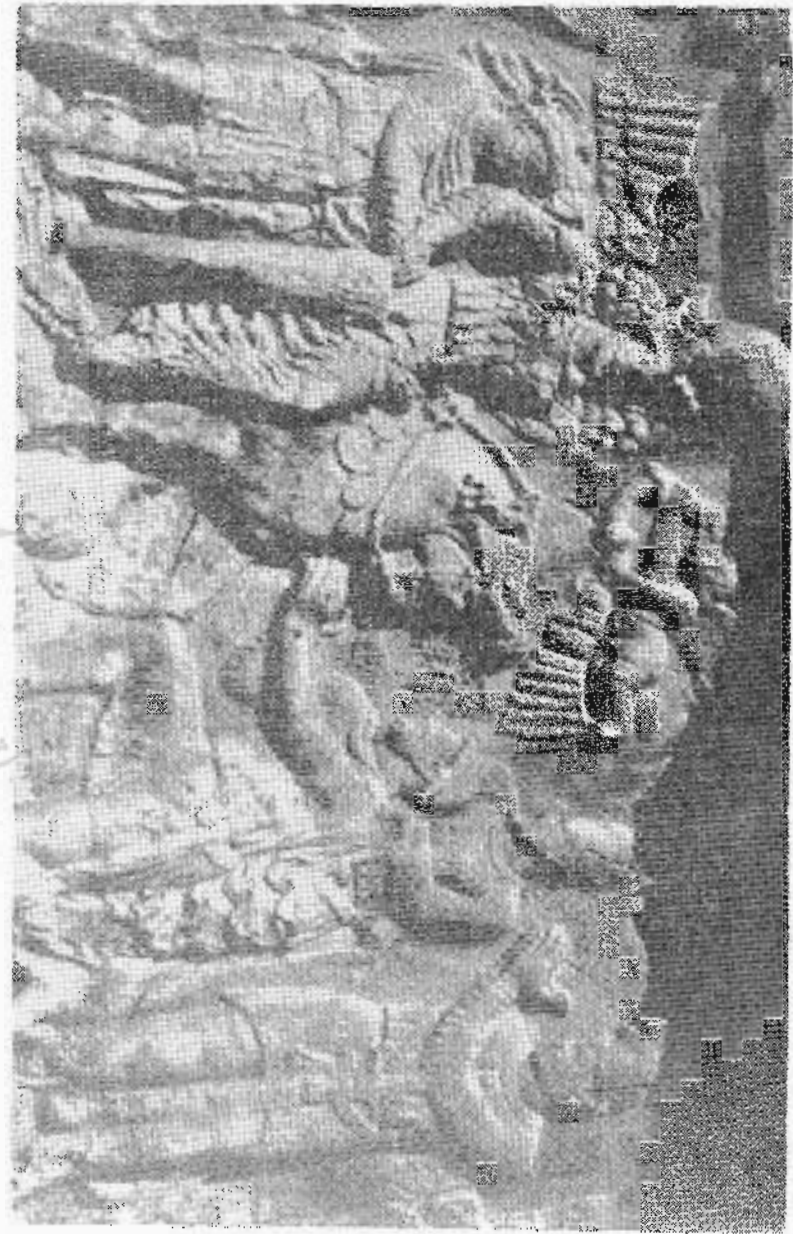




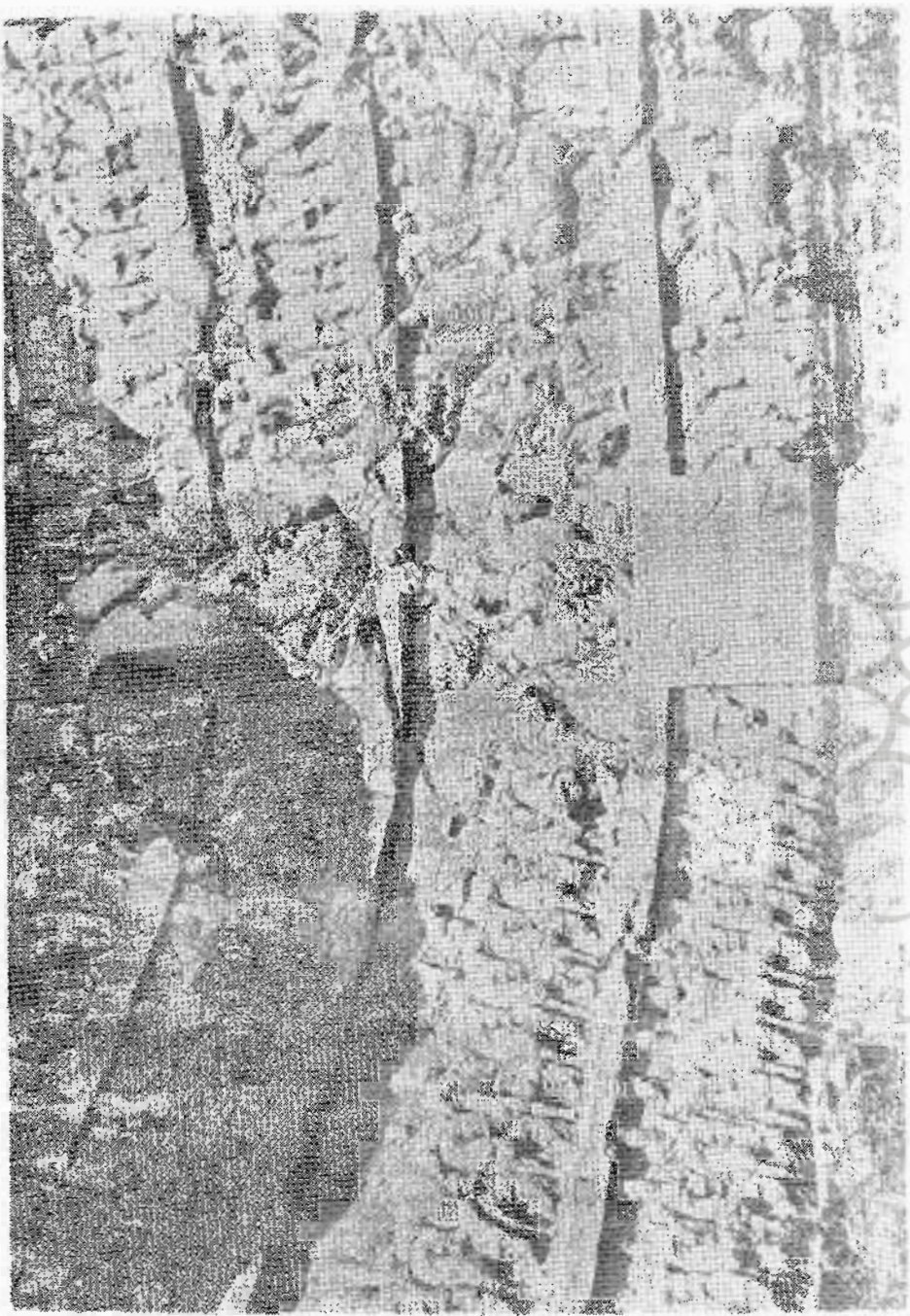
ش ۱۸ - فیروز آباد ، پیروزی اردشیر اول بر دشمنان
 Fig. 18 - Firoozabad : Ardeshir vanquishing enemy.



ش ۱۷ - فیروزآباد ، اعطای منب اردشیر اول
 Fig 17 - Firoozabad : Investiture of Ardeshir I.

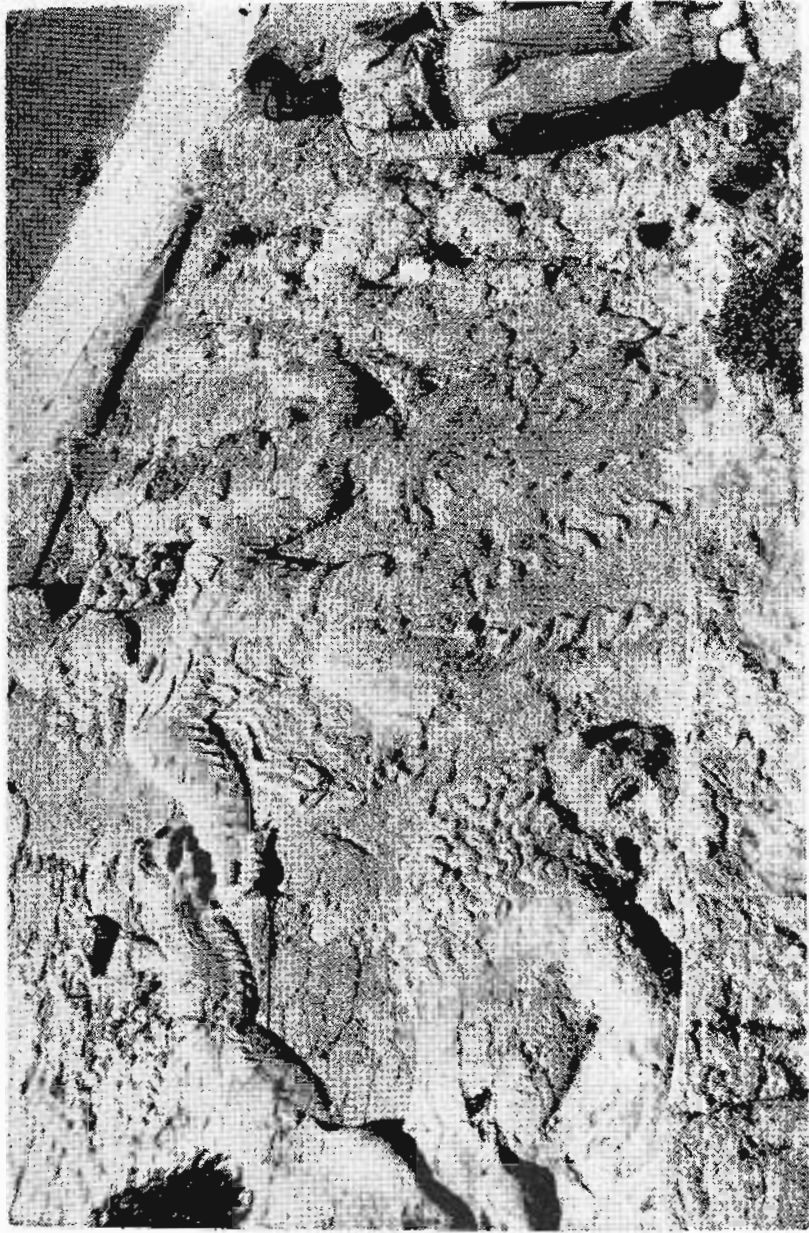


ش ۱۹ - تنگ چوگان، پیروزی شاپور اول بر والریوس
 Fig 19 - Tang-e-Chowgan : Shapur's triumph over Valerian.



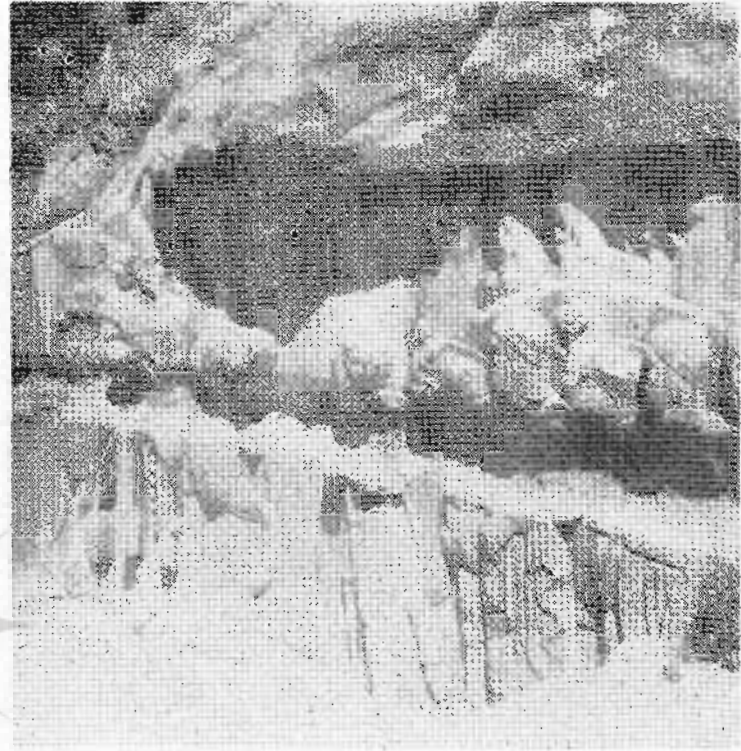
ش ۲۰ - تنگ چوگان ، شاپور و والریوس و لشکریان ایران و روم
 Fig. 20 . Tang-e-Chowgan : Shapur's triumph.
 Bands show Iranian cavalry and Roman soldiers.

مرکز تحقیقات و مطالعات
 انجمن علمی و پژوهشی
 مطالعات باستان‌شناختی و هنر



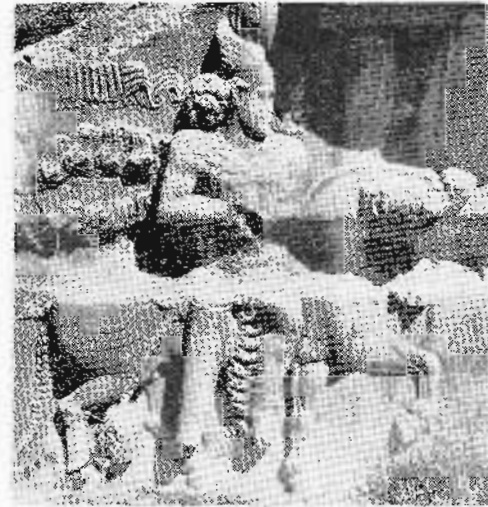
ش ۲۳ - سرمشهد، جنگ بهرام دوم با شیران
 F g. 23 - Sar Mashhad : Bahram II fighting lions.

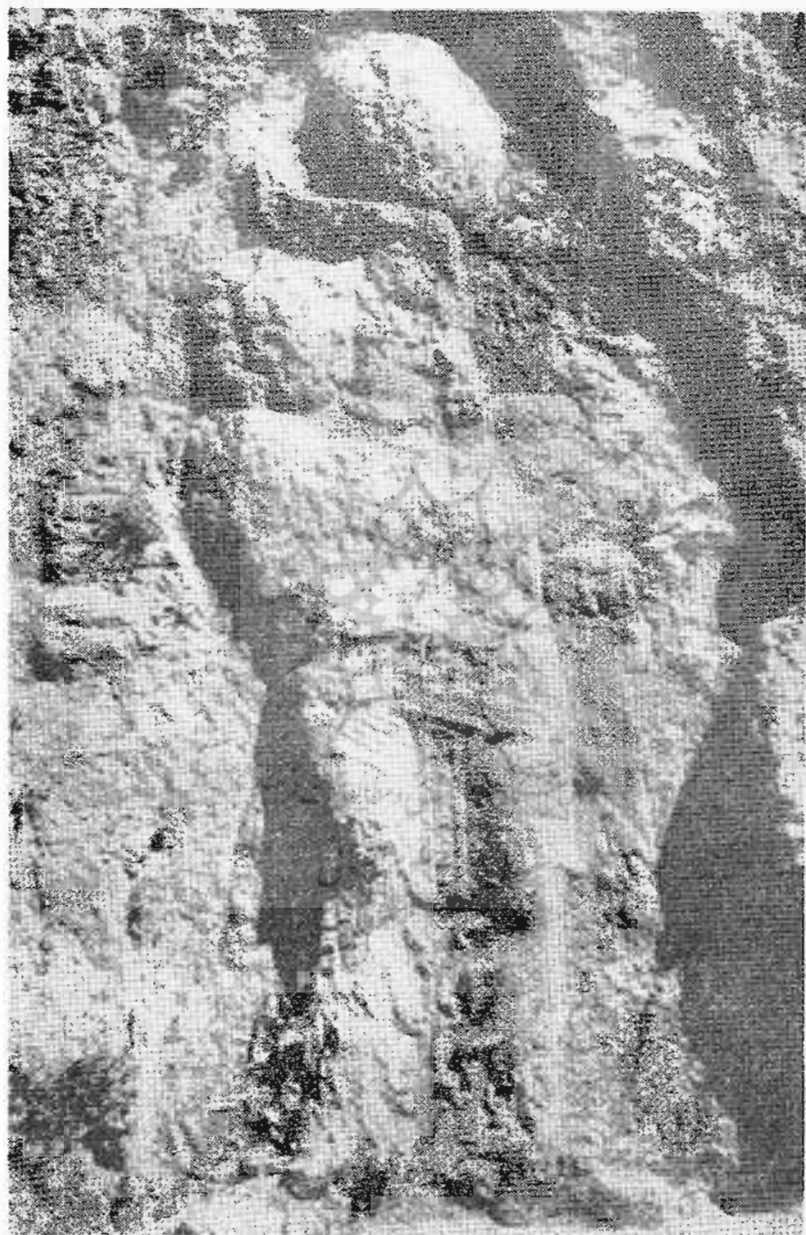
پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات
 پرتال جامع علوم انسانی



ش ۲۱ - تنگ چوگان ، پیروزی بهرام دوم بر تازیان
 Fig, 21 - Tang.e.Chowgan : Bahram II's triumph over Arabs.

ش ۲۲ تنگ چوگان ، نقش برجسته بهرام دوم
 Fig 22 - Tang-e-Chowgan : Bahram II.





ش ۲۴ - گویوم ، نقش برجسته بهرام دوم

Fig. 24 - Guyum : Bahram II.